



به سوی تحقق حیات طیبه
برنامه‌ی اقتصاد مقاومتی در دولت یازدهم

www.drjalily.com

www.masir1357.ir

به سوی تحقق حیات طیبه | برنامه‌ی اقتصاد مقاومتی در دولت یازدهم
دکتر سعید جلیلی | کاندیدای یازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری
www.masir1357.ir , www.drjalily.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به سوی تحقّق حیات طیّبه
برنامه‌ی اقتصاد مقاومتی در دولت یازدهم
دکتر سعید جلیلی
کاندیدای یازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری

سال حماسه‌ی سیاسی، حماسه‌ی اقتصادی
خردادماه ۱۳۹۲

فهرست:

- ۶ مقدمه
- ۷ اولویت اصلی در برنامه‌ی اقتصاد مقاومتی
- ۸ اصول حاکم بر برنامه‌ریزی اقتصاد مقاومتی
- ۸ /۱ مقاومت، عامل پیشرفت
- ۹ /۲ عدالت ساختاری، ممزوج با پیشرفت
- ۹ /۳ پرهیز جدی از کوتاه‌نگری و رویه‌های شوک‌درمانی
- ۱۰ /۴ مبارزه با تورم؛ به‌عنوان بزرگ‌ترین ظلم اقتصادی
- ۱۰ /۵ محوریت تولید به‌مثابه جهاد
- ۱۱ /۶ مردمی شدن اقتصاد؛ الگوی متمایز ما
- ۱۱ /۷ مدیریت جهادی؛ سازوکار جهش در پیشرفت
- ۱۲ مهم‌ترین مسائل ساختاری در اقتصاد
- ۱۲ بررسی وضعیت اقتصاد ایران و آسیب‌شناسی آن
- ۱۳ ۱. ناهماهنگی و پریشانی در ساختار تصمیم‌گیری اقتصادی
- ۱۳ ۲. فقدان و نابسامانی اطلاعات اقتصادی
- ۱۳ ۳. اتلاف منابع
- ۱۴ ۴. حفره‌های نظام بانکی
- ۱۴ ۵. انحصارات و شبه‌انحصارات
- ۱۴ ۶. بی‌فرجامی در تولید
- ۱۵ ۷. نگاه هزینه‌ای به بودجه
- ۱۵ ۸. بلا تکلیفی و زمین‌گیر شدن پروژه‌های بزرگ زیربنایی
- ۱۵ ۹. زمین ماندن انبوه تحقیقات و فناوری‌ها
- ۱۵ ۱۰. رها شدن مدیریت توسعه روستایی
- ۱۶ راهبردهای اصلاح نظام سیاست‌گذاری اقتصادی کشور
- ۱۶ برنامه‌ی اصلاح و تحوّل ساختار قوه‌ی مجریه
- ۱۷ تشکیل شورای عالی اقتصاد
- ۱۷ تفکیک سیاست‌گذاری از اجرا و نظارت
- ۱۷ محوریت یافتن آمایش سرزمین در برنامه‌ریزی و سازماندهی فعالیت‌های اقتصادی
- ۱۸ شفاف‌سازی اقتصادی
- ۱۸ سپردن وظایف اجرایی دولت به تشکل‌های اقتصادی غیردولتی
- ایجاد و بکارگماری سازمانهای توسعه‌گر جهادی در مدیریت پروژه‌های زیربنایی و فناوریانه
- ۱۹ ایجاد و بکارگماری نهادهای مردمی مدیریت توسعه روستایی
- ۱۹ ایجاد نظام قدرتمند و فعال در توسعه فناوری
- ۲۱ جمع‌بندی وضعیت موجود و ارائه راهکارها در حوزه‌های اقتصادی
- ۲۱ ۱. سیاستهای بخش مسکن:

۲. سیاستهای ارزی: ۲۲
۳. سیاستهای مالیاتی: ۲۳
۴. سیاستهای بخش نفت و گاز: ۲۴
۵. سیاستهای بازار سرمایه: ۲۶
۶. کارت های اعتباری (الگوی تخصیص یارانه های مستقیم): ۲۷
۷. سیاستهای مهار تورم: ۲۸
۸. سیاستهای بودجه دولت: ۲۹
۹. سیاستهای بخش تولید: ۳۱
۱۰. سیاستهای توسعه روستایی و محرومیت زدایی: ۳۳
۱۱. سیاستهای بودجه بندی منطقه ای: ۳۵
۱۲. برنامه ریزی منطقه ای و آمایش سرزمین: ۳۷
۱۳. سیاستهای مبارزه با مفاسد اقتصادی و اداری: ۳۹
۱۴. سیاستهای بهره برداری از انفال (منابع طبیعی): ۴۰
۱۵. دیپلماسی اقتصادی و مساله تحریم ها: ۴۱
- ۴۵ جداول
- جدول (۱): مقابله با تورم ۴۵
- جدول (۲) مبارزه با فساد اقتصادی ۴۷
- جدول (۳) مقابله با تحریم ها ۵۱

• مقدمه

انقلاب اسلامی تجلی سنت الهی است؛ تغییر و تحوّل انفسی انسان مؤمن و مجاهد در عصر جدید است؛ طلوع فجر صادقی است که بر تارک سیاه دنیای غرب و شرق، برنشسته و عالم جدیدی را در افق حیات انسان معاصر برگشوده است.

دوران جدید عالم، آغاز شده است و با ظهور آفتاب انقلاب اسلامی، دسته‌بندی‌هایی نظیر جهان اول و دوم و سوم، رنگ موهوم خویش را باخته‌اند و تاریخ جهان را باید از نو نوشت. تاریخ جدید جهان، تاریخ بازگشت انسان به فطرت است؛ تاریخ حیات انبیاء الهی است؛ تاریخ حیات حقیقی بشر و دوران حیات باطنی اوست.

انقلاب اسلامی، بر اساس آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱ نتیجه‌ی انقلاب درونی انسانها است که به فرمایش حضرت امام خمینی (ره) تا این تغییر و تحوّل انفسی حاصل نشود انقلاب بیرونی یا دگرگونی نظام طاغوت و جابجایی قدرت صورت نخواهد پذیرفت؛ انقلاب اسلامی «تقدیر آینده‌ی بشریت و جهان» را رقم خواهد زد. بشر در انتظار فردایی دیگر است و از نگاه امام (ره) بدون شک چنین اتفاقی رخ خواهد داد:

«ما باید با تمام توان کوشش کنیم تا مردم متوجه گردند که میشود روی پای خودمان بایستیم؛ میشود در

مقابل شرق و غرب از فرهنگ و حیثیت ملی اسلامی مان دفاع کنیم و میتوانیم دنیای مادی را شکست

دهیم و پرچم لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ را در تمامی دنیا به اهتزاز درآوریم.»^۲

در دوران جدید عالم، مهم‌ترین مانع و دشمن انقلاب اسلامی، استعمار فرانو و استکبار سلطه‌گر است که در صورتهای متنوع فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و امنیتی در آن سوی این منازعه قرار دارد و در این منازعه و تقابل تمام عیار، یکی از وجوه اساسی نبرد و مقابله، مقابله‌ی اقتصادی است؛ یعنی تدبیر و استفاده‌ی حداکثری دشمن از تهدیدهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و امنیتی در عرصه‌های بین‌المللی و بهره‌گیری و فرصت‌سازی حداکثری از نقاط ضعف داخلی ایران در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی.

اقتصاد مقاومتی در چنین فضایی قابل طرح است؛ اقتصاد مقاومتی، تجلی حیات فردی و جمعی انسان انقلابی در ساحت اقتصاد است که مبتنی بر اندیشه‌ی انقلاب اسلامی، سیر میکند و به مجاهده می‌پردازد. اقتصاد مقاومتی، راهبردی است که در پهنه‌ی مفهومی خود، از سویی شعارها، راهبردها و سیاستهای سالهای گذشته‌ی نظام اسلامی را - نظیر جهاد اقتصادی، اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، نوآوری و شکوفایی، اتحاد ملی و انسجام اسلامی، همبستگی ملی و مشارکت عمومی، پاسخگویی مسئولان، نهضت خدمت‌رسانی به مردم، عزت و افتخار حسینی، رفتار علوی، صرفه‌جویی، پرهیز از اسراف، انضباط اقتصادی و مالی، وجدان کاری و انضباط اجتماعی و ... - شامل می‌شود و از سوی دیگر، این راهبرد متناظر با روح کلی و سیاستهای کلان و شاخصهای اسناد بالادستی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و ولی نظام اسلامی، طراحی و اعلام شده است.

طرح گفتمان «پیشرفت و عدالت» در پرتو مقاومت، مستلزم کاربست راهبردهای متناظر با این گفتمان در زمینه‌های فرهنگ، اقتصاد و سیاست است، که اقتصاد مقاومتی، «جهت‌دهی راهبردی» برنامه‌های توسعه‌ی پنج ساله، سیاستهای

^۱ سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۱

^۲ صحیفه‌ی نور، ج ۱۹، ص ۲۶۹ - ۲۷۰

^۳ صحیفه‌ی نور، ج ۱۸، ص ۳۴۳

کلان اقتصادی، بودجه‌ی سالانه و سیاستهای عمومی اقتصادی کشور را به‌عهده خواهد داشت.

• اولویت اصلی در برنامه‌ی اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی را باید در منظومه معرفتی اقتصاد اسلامی نگریست. نظام اقتصادی اسلام که بیانگر نگاه نظام اسلامی به ابعاد اقتصادی جامعه است، دارای پنج هدف اصلی است که بر اساس آموزه‌های حضرت امام خمینی، به ترتیب اولویت عبارتند از:

۱. ایجاد زمینه به منظور اعتلای معنوی انسانها؛ هدف اسلام تربیت و تهذیب انسان است و اسلام با تنظیم فعالیتهای مادی راه را برای اعتلای معنوی انسان می‌گشاید^۱؛
 ۲. عدالت اقتصادی: عدالت نیز همچون استقلال هدف کلی نظام اسلامی است^۲؛ ولی درعین حال هدف غایی نیست بلکه تحقق عدالت وسیله‌ای جهت توسعه‌ی معرفت‌الله و انسان‌سازی است^۳. در حوزه‌ی اقتصاد، عدالت اقتصادی به معنای رفع فقر^۴ و تعدیل ثروت و درآمد^۵ است؛
 ۳. استقلال اقتصادی: استقلال به معنای عدم وابستگی به بیگانه در حوزه‌های فرهنگ، سیاست و اقتصاد، هدف کلی نظام اسلام است. وابستگی اقتصادی منشأ همه‌ی وابستگی‌ها و ناشی از عدم اعتماد به نفس است^۶؛
 ۴. رفاه عمومی: راحت‌طلبی از دیدگاه فردی و اخلاقی مذموم است^۷ ولی تحقق رفاه عمومی و برخورداری همه‌ی مردم از رفاه، هدف نظام اقتصادی اسلام است^۸، البته رفاه به معنای داشتن ثروت و امکانات مادی صرف نیست، انسانی مرفه است که از آسایش روحی برخوردار باشد^۹؛
 ۵. رشد اقتصادی: رشد کشاورزی، صنعت و تجارت نیز از اهداف نظام اقتصادی اسلام معرفی شده است^{۱۰}.
- هدف از ارائه‌ی این برنامه‌ی اقتصادی، «بهبود وضع معیشتی مردم» به‌عنوان اولویت اول نظام اقتصادی کشور است و قصد دارد با وجود قوت‌های فراوان در عرصه‌ی ملی و فرصت‌های بالنده‌ی جهانی و درعین حال در برابر انواع چالش‌های داخلی و تهدیدهای بین‌المللی در پرتو مقاومت و ایستادگی برای تحقق پیشرفت و عدالت در نظام اسلامی با گام‌های مستحکم به‌پیش رود.
- این برنامه در چارچوب عملکرد دولت اسلامی ارائه شده است؛ دولتی که لازم است در نهادسازی نظام اسلامی یک سیر تکاملی و پویا را نسبت به دولتهای گذشته داشته باشد و بتواند هدفهای بلند نظام را دنبال کند. دولت یازدهم در دهه‌ی عدالت و پیشرفت تشکیل می‌گردد؛ در دهه‌ای که ما شاهد بیداری، خیزش و مقاومت اسلامی ملت‌های منطقه

^۱ صحیفه‌ی نور، ج ۹، ص ۱۶۸ و ج ۷، ص ۱۵ و ۱۶

^۲ صحیفه‌ی نور، ج ۱۵، ص ۱۴۶

^۳ صحیفه‌ی نور، ج ۱۹، ص ۸۴ و ج ۲۰، ص ۱۵۷

^۴ صحیفه‌ی نور، ج ۱۰، ص ۴۱

^۵ صحیفه‌ی نور، ج ۸، ص ۳۶

^۶ صحیفه‌ی نور، ج ۹، ص ۱۶۶ و ج ۱۰، ص ۴۰ و ج ۹، ص ۱۶۷

^۷ صحیفه‌ی نور، ج ۱۵، ص ۴۵ تا ۵۰

^۸ صحیفه‌ی نور، ج ۶، ص ۱۶۴

^۹ صحیفه‌ی نور، ج ۱۵، ص ۲۲۶

^{۱۰} صحیفه‌ی نور، ج ۱۹، ص ۲۰۴

برای دستیابی به الگوی اسلامی برای اداره‌ی امور خویش می‌باشند. در زمانه‌ای که غرب دچار بحرانهای عمیق فکری و عملیاتی شده و علائمی از فروپاشی غرب قابل مشاهده است. هر برنامه‌ی اقتصادی لازم است که در چهارچوب سندهای بالادستی (سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، مطالبات و سیاستهای ابلاغی مقام معظم رهبری، برنامه‌ی پنجم توسعه، قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی) و در یک الگوی اسلامی- ایرانی تدوین شود و بتواند تهدیدهای اقتصادی دشمنان ملت ایران را تبدیل به فرصتهای بالنده، استقلال، عزت، اقتدار اقتصادی و رفاه ملی نماید. برای رسیدن به استقلال اقتصادی لازم است که مسایل حادی همچون تورم، بیکاری، رشد اقتصادی و تعادل بازرگانی خارجی مد نظر قرار گیرد و نسبت به بهبود وضع معیشتی اقشار مختلف اجتماعی کار و همتی مضاعف انجام شود.

علی‌رغم وجود اسناد برنامه‌ای متعدد در سطوح مختلف، ریشه‌ی بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور، برخاسته از ساختار ناهنجار دولتی است که برخی سازوکارهای اجرایی آن از دوران قبل از انقلاب به ارث رسیده است. این ساختار به گونه‌ای است که باعث می‌گردد دولتمردان، به تدریج از آرمانخواهی به روزمره‌گی و از پاسخگویی به طلبکاری کشیده شوند. بدنه و تشکیلات دولت در زمینه‌های بودجه، کارآمدی اداری، مدیریت نیروی انسانی و تخصیص منابع و... نیازمند اصلاح جدی در نظام تصمیم‌گیری و مدیریت اقتصادی است که جز با درایت و مجاهده و بصیرت امکان‌پذیر نیست.

• اصول حاکم بر برنامه‌ریزی اقتصاد مقاومتی

۱/ مقاومت، عامل پیشرفت

امروز علی‌رغم گذشت سی و چهار سال از پیروزی انقلاب، در ابتدای یک حرکت بزرگ هستیم. یک حرکت برای مدل‌سازی در عرصه‌های مختلف. یک وجه ممیزه آنچه انقلاب اسلامی در این سی و چهار سال از خود بارها نشان داده است این است که مقاومت آن توانسته است همراه با پیشرفت باشد. این یک مقاومت صرف نیست، یک مقاومت با هزینه نیست که بعد از مدتی موجب تمام شدن سرمایه شود. این مقاومت، ویژگی اش این است که همراه با خود پیشرفت و تولید مزیت‌های نسبی را داشته است. بسیاری از کسانی که برای بار اول به ایران می‌آیند حتی مقامات خود کشورهای غربی، وقتی که با دستاوردهای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی روبرو می‌شوند به صراحت بیان می‌کنند که برایشان حیرت‌آور است و این تصور را از پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران نداشتند. آنها می‌فهمند که این پیشرفت متفاوت است با برخی از ظواهری که در سایر کشورها وجود دارد. چرا این پیشرفت‌ها را سایر کشورها که این تهدیدات و تحریم‌ها و فشارها علیه آنها نیست بلکه تسهیلات و امکانات فراوان در مناسبات جهانی دارند به دست نمی‌آورند؟

آنچه که امروز باید دنبال کنیم، تکمیل و تمهید الگویی است که براساس آن، این مقاومت نه تنها تداوم داشته و مانع پیشرفت تلقی نشود، بلکه پیشرفت را افزون کند، به این پیشرفت سرعت بدهد و مقاومت پیشرفت ساز را در عرصه‌های مختلف فراگیر نماید. این الگو را باید برای اجرا و کارآمدی، روز به روز چه از لحاظ نظری و چه در عمل، کامل تر و متعالی‌تر نماییم. امروز یکی از نگرانی‌های غرب این است که فشاری که علیه ملت ما می‌آورند به ضد خودش تبدیل شود. احساس می‌کنند با تحریم‌ها می‌توانند به ملت ما فشار وارد کنند یا مانع تداوم انقلاب شوند؛ اتفاقاً آنها با این حرکت باعث انگیزش بیشتر ما در کارآمدتر و فراگیرتر نمودن الگوی دینی و بومی خواهند شد.

۲/ عدالت ساختاری، ممزوج با پیشرفت

در نگاه اقتصاد مقاومتی، عدالت و پیشرفت در هم عجین است و قابل تفکیک و مرحله‌بندی نیست که بگوییم اول پیشرفت و بعد عدالت. پیشرفت بدون عدالت، اساساً پیشرفت نیست. عدالت هم صرفاً در حد توجه مقطعی و موردی به اقشار محروم خلاصه نمی‌شود و به تزریق منابع پولی و مالی بین اقشار مردم محقق نمی‌شود.

عدالت در تمام مراحل طراحی سازوکارها، ایجاد نرم افزار و سخت‌افزار و شکل‌دهی فرهنگ حاکم بر دولت باید مبنای قرار گیرد. نمی‌توان به منظور ایجاد اشتغال، طرحی را اجرا کرد که به انهدام محیط زیست و منابع طبیعی بیانجامد. نباید به‌خاطر وجود مزیت چشم‌گیر در یک بخش، سایر بخشهای مزیت دار به انزوا کشیده شود. نمی‌توان یک قطب صنعتی را توسعه داد و منابع موجود در مناطق اطراف را برای توسعه آن قطب، منحصر کرد. نباید به بهانه‌ی توسعه صادرات، مواد اولیه و نیمه‌ساخته را صادر و تولید داخل را در مضیقه قرار داد.

برای تحقق عدالت ساختاری، گاهی لازم است آسیب‌های ساختاری موجود شناسایی و ترمیم شود. مانند ترمیم اساسی نظام بانکی و نظام برنامه‌ریزی و مانند اینها. و گاهی لازم است ساختارسازی و نهادسازی جدید انجام شود. مثل ایجاد جهادسازندگی و نهضت سوادآموزی و امثال اینها که به ضرورت‌ها و نیازهای انقلاب پاسخ دادند. امروز نیز نیاز داریم به ایجاد ساختارهای جدید و پویایی که بتوانند ظرفیتهای آحاد جامعه را احیا نمایند. اگر این تحول، بهسازی و نوسازی ساختاری انجام نشود، دشمن با شناسایی خلأها و نقاط آسیب ساختارهای داخلی کشور، حملات سنگینی را با کمترین هزینه، علیه اقتصاد کشور صورت خواهد داد و ما نیز در چارچوب بسنده کردن به ساختارهای موجود و صرفاً تغییر سیاستهای روبنایی، دور خواهیم خورد.

از سوی دیگر مفهوم و مصادیق عدالت باید عینی و ملموس شود. عدالت در دستگاه اجرایی یعنی چه؟ چه شاخصه‌های عینی می‌تواند داشته باشد که بعد بشود از آنها مطالبه کرد؟ به عنوان مثال، در آموزش و پرورش، عدالت یعنی برابری فرصت‌ها در عرصه‌ی تحصیل. همه می‌بایست در فرصت مساوی برای رقابت در کنکور باشند. این شاخص‌ها باید به طور عینی مشخص شود تا بعد بتوان پیاده نمود و مطالبه کرد. اگر این فضا شکل بگیرد هر کسی که کاندیدای رییس جمهوری بشود موظف می‌شود که در این چهارچوب حرکت کند.

۳/ پرهیز جدی از کوتاه‌نگری و رویه‌های شوک‌درمانی

در دو دهه‌ی گذشته، اقتصاد ایران گرفتار یکی از خطرناک‌ترین و مخرب‌ترین دوره‌های باطل تشدیدکنندگی توسعه‌نیافتگی خود شده، این دور باطل «رکود تورمی» است که در یک طرف «تورم همراه با رکود» و در طرف دیگر «نوسانات مستمر درآمدهای نفتی» قرار گرفته است؛ این دور باطل «تورم رکودی» در شرایطی بوده است که استعمار فرانو، پنجه‌درپنجه‌ی مرکز مقاومت و بیداری اسلامی جهان انداخته و مدام با انواع تهدیدهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نظام اسلامی را به چالش کشانده است.

راه نجات اقتصاد ایران در فوری‌ترین سطح، تمهید شرایطی است برای اینکه ما از این خطر فزاینده‌ی دور باطل رکود تورمی اقتصاد ایران را خارج کنیم و مهم‌ترین عنصر برای امکان‌پذیر کردن این مسأله اجتناب از سیاست‌های ثبات‌زدا و شوک‌درمانی قیمتی (نظیر روند فعلی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها) در سطح کلان اقتصادی و هم‌زمان با آن حل‌وفصل موانع رونق تولید و مشکلات مولدان اقتصادی است. باکمال تأسف در اقتصاد رانته و نفتی، بیشترین جاذبه‌ها برای دولت‌های کوتاه‌نگر دست‌کاری قیمت‌های کلیدی (نظیر قیمت ارز، انرژی و خدمات دولتی و ...) است و این آن

روندی است که نتیجه‌اش در قالب رکود تورمی ظاهر می‌شود و در ادبیات جدید رکود تورمی، مجموع نرخ تورم و بیکاری «شاخص فلاکت» را می‌سازد.

۴/ مبارزه با تورم؛ به‌عنوان بزرگ‌ترین ظلم اقتصادی

انقلاب ما و نظام حکومتی ما دینی است و به‌شدت بر پایه‌ی ارزشها و اصول الهی استوار است. تا زمانی که به مسائل و مشکلات اقتصادی مردم و کشور، از منظر مسئولیت‌های خویش و تکلیف دینی نگاه نکنیم همه‌ی استعداد و توان جامعه برای حل آنها بکار نخواهد افتاد و آن وقت همه منتظرند تا دولت با وضع چند تا سیاست و برنامه مسئله را حل کند.

از این منظر باید گفت گرانی مزمن و افسارگسیخته در کشور ما یک ظلم فاحش است که باید با آن مبارزه اساسی و همگانی صورت گیرد. چه ظلمی بزرگ‌تر از این که یک سیاست ناب‌خردانه یا یک اتفاق معمولی در عرصه‌ی تجارت، باعث گرانی آنی شود و قدرت خرید مردم به‌شدت کاهش یافته و همین امر سبب افزایش یافتن شکاف طبقاتی شود؟ نکته‌ی مهم آن است که دو دهه سابقه برنامه‌ریزی اقتصادی برای مقابله با گرانی، نشان می‌دهد صرفاً با وضع سیاستهای پولی و مالی - که بیشتر جنبه مسکنی و مقطعی دارد - نمی‌توان این مسئله را ریشه‌کن نمود و نیازمند نگرشی اساسی و ساختاری هستیم. زمانی که کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم دچار بحران گرانی حاد می‌شوند، نمی‌توان بسادگی و با همان رویه‌ها و سازوکارهای اداری مرسوم به جان مسئله افتاد و با بالا و پایین کردن چند فاکتور پولی و مالی، انتظار داشت بحران ریشه‌کن شود.

باید دید چه رویه‌ها و سازوکارهایی به تنور تورم می‌دمند؟ چه فرایندهایی باید اصلاح شود و کدام‌ها باید ایجاد شوند؟ نحوه تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و هماهنگی‌های بین‌بخشی به چه شکل باید نوسازی و بهسازی شود تا گرانی‌های آنی و مقطعی را بشود در جا خنثی کرد و توان جامعه را برای مقابله با آنها بسیج نمود؟ براین اساس یکی از اولویت‌های دولت آینده، طراحی و اجرای برنامه نوسازی ساختاری در اقتصاد خواهد بود.

۵/ محوریت تولید به‌مثابه جهاد

«دکترین تولید به‌مثابه جهاد» برگرفته از چارچوب مفهومی «جهاد اقتصادی» است که نظریه و اصول راهبردی آن برگرفته از آموزه‌های اسلام ناب است. در این رویکرد به آیات و روایات با موضوع جهاد و عمران و آبادی و تأمین زندگی مطلوب برای احیای ذکر و ارتباط با خداوند و توسعه و تعمیق ایمان و بصیرت مؤمنانه برای تقرب الهی نگاه میشود، به‌گونه‌ای که بتوان بر اساس آن به خاستگاهی برای اصول راهبردی و راهنمای عمل در فرآیند تمدن‌سازی نوین اسلامی رسید. برخی از عناصر و مؤلفه‌های این دکترین عبارتند از: حاکمیت جهانی اسلام بر مدار و به رهبری امام معصوم (و نیابت فقیه عادل در عصر غیبت)، استحکام معنویت و روح ایمان در جامعه، روحیه‌ی جهادی و مقاومت، بصیرت و خودآگاهی انقلابی، آرمانگرایی توأم با واقعگرایی، خودباوری، امید و اعتماد به نفس ملی، مبارزه و مقابله‌ی فعال (و غیرانفعالی) با تحریمها و کمبودها، تلاش همگانی و حفظ اتحاد ملی و انسجام اسلامی، اهتمام به همّت مضاعف و کار مضاعف و تدبیر و برنامه‌ریزی توأم با حزم و دوراندیشی. از هر یک از این مؤلفه‌ها یا ترکیب آنها، به اصولی راهبردی می‌توان دست یافت؛ اصولی که راهنمای عمل ما در عرصه‌های مختلف حیات جمعی و جهانی باشد.

عرصه‌های تولید در این دکترین در یک گستره‌ی وسیع قابل طرح است: تولید کار، تولید علم، تولید فنآوری، تولید ثروت، تولید معرفت، تولید فرصت، تولید عزت و منزلت، تولید کالا و تولید انسانهای کارآمد؛ این‌ها همه شئونی از تولید

تلقی می‌شوند و همه‌ی این شئون خود شعاعی از جهاد فی سبیل‌الله؛ که این طرز تلقی خود تأمین‌کننده‌ی امنیت ملی و اقتدار و پیشرفت کشور است. «أَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالًا وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْبًا عَلَيَّهٖ»؛ یعنی علم اقتدار است، علم مساوی است با قدرت؛ هر کسی که علم را پیدا کند، میتواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند.

۶/ مردمی شدن اقتصاد؛ الگوی متمایز ما

مردم در اقتصاد، صرفاً مصرف‌کننده نیستند. بلکه می‌توانند خودشان بارهای بزرگی را در اقتصاد بر دوش بگیرند. باید سرمایه مردم و مدیریت مردم، اقتصاد را بر دوش بگیرد. این یعنی شکوفا شدن ظرفیت‌های مردم و جامعه در پیشرفت اقتصادی. یکی از وجوه اساسی متمایز الگوی اقتصادی ما با الگوهای حاکم بر دنیا در همین نکته نهفته است. الگوهای وارداتی توسعه اقتصادی، مصرف را به عنوان اصل حاکم بر توسعه قلمداد می‌کنند و مردم را مصرف‌کننده صرف برمی‌شمردند و لذا فرهنگ مصرف زدگی را ترویج می‌کنند. وقتی تجارب ناب انقلاب را بررسی می‌کنیم می‌بینیم چگونه توسعه روستایی بر دوش اقشار مختلف مردم در قالب جهادسازندگی متبلور شد و نمونه بی‌نظیری را در جهان به ثبت رساند. یا چگونه ریشه کنی بیسوادی با انگیزش عمومی و همت خودجوش مردم در قالب نهضت سوادآموزی، شاخص سواد کشور را در تراز جهانی قرار داد. هم اکنون نیز شاهدیم که چگونه خیل جوانان تحصیلکرده ما بجای کارمند شدن، خواهان ایجاد شرکتها و موسسات دانش بنیان بوده و حاضرند با وجود ریسک و ابهام، دست به ابداع و نوآوری بزنند و آن را در مسیر رفع نیازهای کلیدی کشور قرار دهند.

دولت نه تنها نباید تصدی فعالیت‌های اقتصادی را در انحصار خود نگهدارد بلکه حتی می‌تواند مدیریت بخش‌های بزرگی از اقتصاد را بر دوش مردم و در قالب نهادهای غیردولتی سازماندهی نماید. امروز کارآفرینان، سرمایه‌گذاران، تولیدگران، بازرگانان، دانشوران، مهندسان و مدیران فراوانی در جامعه وجود دارند که خودشان می‌توانند با تجمیع ظرفیتهای و نهادسازی غیردولتی، اهداف جهاد اقتصادی را دنبال نمایند. دولت باید زمینه نقش آفرینی فعالانه و جهادی این اقشار را فراهم نماید.

۷/ مدیریت جهادی؛ سازوکار جهش در پیشرفت

استقلال اقتصادی، یک جهاد است و لذا به تدبیر و سازماندهی جهادی نیاز دارد. اتکا به فرهنگ بوروکراتیک کهنه و غیربومی و سازمان‌های دیوان‌سالار و وظیفه‌مدار، مانع از آن است که اهداف بلند انقلاب در دهه پیشرفت و عدالت محقق شود. تمام پیشرفت‌های سریع و واقعی کشور در اوایل انقلاب، در عرصه‌های مختلفی همچون روستا، صنایع نظامی و دفاعی، کشاورزی، زیرساختها، و فناوری‌های نوین، برپایه الگوی مدیریت و سازماندهی جهادی حاصل شد. مدیریت جهادی صرفاً محدود به روحیه‌ی جهادی نیست. جهاد با جهد متفاوت است. الگوی مدیریت جهادی همان قدر که انگیزاننده و روحیه‌بخش است؛ عالمانه و کارآمد نیز هست. این الگو هم فرهنگ دارد هم سازماندهی و هم مدیریت. در سازندگی و پیشرفت نیز می‌توان نیروی عظیم مردم را تحت یک مدیریت و سازماندهی و فرهنگ مشخص و منطبق با اقتضائات اسلامی و بومی بکار گرفت. در این زمینه هم نیاز به فکر و اندیشه و مدل راهبردی است و هم به حرکت فرهنگی و اجتماعی. امروز در دنیا صحبت از مدل‌های مشارکت دولتی - خصوصی می‌شود. انقلاب اسلامی در فرآیند تمدن‌سازی خود نشان داده است که الگوهای بسیار غنی‌تر و بزرگ‌تر از این را می‌توان ایجاد کرد.

^۱ شرح نهج البلاغه، جلد ۲۰، صفحه ۳۱۹

• مهم‌ترین مسائل ساختاری در اقتصاد

➤ بررسی وضعیت اقتصاد ایران و آسیب‌شناسی آن

در دو دهه‌ی گذشته، اقتصاد ایران گرفتار یکی از مخرب‌ترین مسائل اقتصادی یعنی «رکود تورمی» شده است. از یک طرف «تورم همراه با رکود» و از طرف دیگر «نوسانات مستمر درآمدهای نفتی» قرار گرفته است؛ این دور باطل «تورم رکودی» در شرایطی بوده است که استعمار فرانو، پنجه‌درپنجه‌ی مرکز مقاومت و بیداری اسلامی جهان انداخته و مدام با انواع تهدیدهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نظام اسلامی را به چالش کشانده است.

تورم رکودی - به‌طور غیرمتعارفی - تابع نحوه‌ی تعامل نظام سیاستگذاری اقتصاد کشور با نوسانات درآمدهای نفتی است؛ توضیح آنکه در دوران شکوفایی قیمت نفت، دولت رویه‌ی انبساط مالی را در دستور کار قرار می‌دهد و این اضافه‌درآمد تزیق شده مثل یک شوک بزرگ، تقاضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با اتخاذ رویکرد انبساط مالی، از آنجا که در کوتاه‌مدت تغییر متناسب در قسمت عرضه‌ی اقتصاد امکان‌پذیر نیست، کشور در شرایط تورمی قرار می‌گیرد و هنگامی که دولت با تلاش‌های از سر استیصال و رویه‌های کوتاه‌نگر تلاش می‌کند بار فشار تورمی را کاهش دهد، ناگزیر به سمت سیاست آزادسازی واردات - به‌طور افراطی - سوق پیدا می‌کند؛ که به‌دنبال آن هم خصلت اشتغال‌زدایی واردات، منشأ تحمیل و اضافه‌شدن رکود به شرایط تورمی اقتصاد ملی می‌شود.

نکته‌ی دیگر این است که در دوران کاهش درآمدهای نفتی باز با سازوکار دیگری این رکود تورمی گریبان اقتصاد ملی را می‌گیرد و یک دور باطل مهم توسعه‌نیافتگی پدید می‌آید؛ این عارضه این‌گونه قابل بررسی است که دولت در دوران رونق درآمد نفتی از طریق اتخاذ رویه‌های افراطی انبساط مالی یک‌سری تعهدات مالی شتاب‌زده و گاه جاه‌طلبانه برعهده می‌گیرد، اما در دوره‌ای که با افت درآمدهای نفتی روبرو می‌شود دیگر با همان سادگی‌ای که تعهدات را بر عهده گرفته بود، نمی‌تواند از مسئولیت آنها شانه خالی کند و نتیجه این می‌شود که ساختار هزینه‌های دولت نسبتاً غیرمنعطف یا متصلب می‌شود؛ بنابراین در دوران افول درآمدهای نفتی که دولت با هزینه‌های با انعطاف اندک روبروست طبیعتاً راه‌حلی که برمی‌گزیند عمدتاً راه‌حل‌های شتاب‌زده و غیربلندمدت است. بدیهی است در دوران افول درآمدهای نفتی، دولت اگر بخواهد درآمدهای مالیاتی‌اش را افزایش دهد باید با رونق‌بخشی به بخش تولید ملی، ارتقاء بهره‌وری و کارآمدی دستگاه‌های اجرایی، اهتمام در مبارزه با فساد و ... جبران مافات کند و اینها هیچ‌کدام در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیستند؛ پس باز دولت ناگزیر است راه‌حلی برگزیند که بخواهد اضطراب‌های مالی دولت را جواب بدهد؛ راه‌حل‌های تورم‌زایی نظیر افزایش قیمت ارز، خلق پول و استقراض از بانک مرکزی و دست‌درازی به منابع درآمدی وزارت نفت و ...

راه نجات اقتصاد ایران در فوری‌ترین سطح، تمهید شرایطی است که بر اساس آن خطر فزاینده‌ی دور باطل رکود تورمی اقتصاد ایران را کنترل کنیم و مهم‌ترین عنصر برای امکان‌پذیر کردن این مسأله اجتناب از سیاست‌های ثبات‌زدا و شوک‌درمانی قیمتی (نظیر روند فعلی اجرای قانون هدمندی یارانه‌ها) در سطح کلان اقتصادی و هم‌زمان با آن حل‌وفصل موانع رونق تولید و مشکلات مولدان و کارآفرینان اقتصادی است. باکمال تأسف در اقتصاد رانتی و نفتی، بیشترین جاذبه‌ها برای دولت‌های کوتاه‌نگر مخدوش کردن قیمت‌های کلیدی (نظیر قیمت ارز، انرژی و خدمات دولتی و ...) است و این همان روندی است که نتیجه‌اش در قالب رکود تورمی ظاهر می‌شود.

ابتدا باید مسائل مزمن و ریشه‌داری را که مانع از هرگونه پیشرفت و تحول در سیستم‌های اقتصادی می‌شوند و سیاستها و برنامه‌های مطلوب را در مرحله اجرا زمین‌گیر می‌نمایند، مد نظر قرار داده و برای حل آنها چاره‌اندیشی کرد. اولویت‌های دولت یازدهم باید جبران این مسائل ریشه‌دار و ساختاری باشد و نه بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آنها:

۱. ناهماهنگی و پریشانی در ساختار تصمیم‌گیری اقتصادی

با وجود چندین وزارتخانه متولی امور اقتصادی و چندین شورا و سازمان مرتبط با این حوزه، انسجام و اقتدار لازم در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی اقتصادی در کشور دیده نمی‌شود. اختلافات زیادی بین وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط در حوزه‌های اقتصادی بوجود می‌آید که هزینه تصمیم‌گیری را در دولت بالا برده است. راه ایجاد انسجام و اقتدار در برنامه‌ریزی لزوماً انحلال یا ادغام این سازمانها و شوراهای نیست. بلکه باید چارچوب و فرایندی عاقلانه و چابک و متمرکز و متمرکزی وجود داشته باشد تا هر ارگان دولتی بتواند نقش موثر خود را در اداره امور اقتصادی ایفا نماید. درواقع اولین مدعی‌العموم اقتصاد باید خود دولت باشد و این زمانی رخ می‌دهد که نظام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی درون دولت منسجم و منضبط باشد.

۲. فقدان و نابسامانی اطلاعات اقتصادی

آمار و اطلاعات اقتصادی، غالباً یا وجود ندارد و یا واقعی نیست و یا به گونه‌ای نیست که پشتوانه تصمیم‌گیری و اجرا و پشتیبانی، در سطوح کلان و خرد قرار گیرد. در شرایط فقدان یا نابسامانی اطلاعات اقتصادی، بدیهی است که مافیها می‌توانند رشد کنند و با اطمینان خاطر عمل نمایند. ریشه غالب مفاسد اقتصادی از جمله در اختلاس بزرگ، همین امر بود. وقتی اطلاعات اقتصادی شفاف و در دسترس نباشد، بستر لازم برای بروز تخلفاتی همچون فرارهای مالیاتی، ثبت شرکت‌های موازی با ذینفع واحد، خرید هنگفت سکه و طلا و ارز ایجاد اختلال در بازار، وجود انبوه خانه‌های خالی و عدم استفاده بهینه از آنها، صدور مجوزهای بی‌محل و مانند اینها فراهم خواهد شد. در این زمینه تاکنون قوانین و سیاستهای متعددی از قبیل مصوبات مربوط به دولت الکترونیک در کشور وجود داشته اما اراده و عزم جدی برای اجرایی شدن آنها نبوده و یا در اولویت قوه مجریه نبوده است. تا زمانی که سیستم دست به دست شدن کالا در کشور شناخته شده و شفاف نباشد، نمی‌توان معضلات ناشی از واسطه‌گری بی‌رویه را درمان نمود و تجار و بازرگانان متدین ما که در سازمان‌دهی نظام‌های توزیع جدید قابلیت دارند، نیز نخواهند توانست توانمندی‌شان را در ارزان کردن کالا به ظهور برسانند. تا زمانی که سیستم دریافت و پرداخت مالی در تمام سطوح فردی و سازمانی شفاف نباشد، نمی‌توان از ریشه کن شدن فساد مالی مطمئن شد و امکان اختلاس‌های بزرگ همچنان وجود خواهد داشت.

۳. اتلاف منابع

معمولاً رصد و حساسیت مسئولان و دولتمردان بر مفاسد و تخلفات اقتصادی (میل‌ها) زیاد است اما بر هدررفت منابع و امکانات (حیف‌ها) کم است. درحالی که حجم و اندازه هدررفت منابع ده‌ها برابر اندازه مفاسد و تخلفات است. یک دلیل این امر آن است که در دولت، اهداف، قربانی فرایندهای اداری شده است. هزینه‌های ستادی بسیار بالا و دستاوردهای عملی بسیار کم. ستادهای فربه و کم‌کار و صف‌های نحیف و خسته حاصل این معضل است. راهکار حل این مسئله نیز

صرفاً صرفه‌جویی در هزینه‌کردها و یا سخت‌گیری در بازرسی‌ها و محدود کردن حدود اختیارات مدیران به بخشنامه‌های خشک و بی‌بازده نیست. بلکه باید به صورتی اساسی و ساختاری این مسئله را حل کرد. اتلاف فقط شامل منابع مالی نیست؛ بلکه مثلاً انبوه آب‌های روان بلااستفاده و یا خارج‌شونده از کشور نیز مصداق بارزی از حیف است. همچنین انبوه اراضی مستعد کشاورزی که بایر مانده است. نمونه بارز این امر در مناطقی همچون خوزستان و جنوب کرمان کاملاً مشهود و معروف است. بعلاوه انبوه شهرک‌ها و نواحی صنعتی که با بودجه دولتی ایجاد شده اما بخش بزرگی از ظرفیت آنها خالی است.

۴. حفره‌های نظام بانکی

بزرگترین معضلی که در نظام بانکی مشاهده می‌شود، وجود شکاف‌های فرایندی و ساختاری متعددی است که توزیع بهینه منابع پولی را دائماً با مشکل روبرو می‌کند. بروز معوقات بانکی هنگامت، عدم تخصیص کافی منابع به بخش‌های ضروری و عدم توزیع بهینه ارز مرجع در سالهای اخیر گواه این مدعا است. تا زمانی که این شکاف‌های ساختاری ترمیم نشود، تزریق بیشتر منابع و یا گستردگی مصارف دواى درد نخواهد بود.

۵. انحصارات و شبه‌انحصارات

در رابطه‌ی نسبت فساد و انحصارات می‌توان گفت اشکال مختلفی که از فساد داریم: فساد اداری، فساد سیاسی، فساد مالی، فساد فرهنگی. می‌توان بر حسب تعریف عمومی از فساد توضیح داد تحت چه شرایطی و چه وقت فساد صورت می‌گیرد؟ عواملی با طیف گسترده و متنوع هستند که تلفیق آنها منجر به فساد می‌شود، در تعریف کلی و عمومی معادله فساد گفته می‌شود، فساد مساوی است با انحصار به اضافه صلاحدید (که بهترین تعریف برای آن تشخیص مصلحت است) منهای پاسخگویی؛ بنابراین، باید به انحصار و شبه‌انحصارات به‌عنوان زمینه‌های اصلی شکل‌گیری فساد توجه بسیار جدی شود.

۶. بی‌فرجامی در تولید

علی‌رغم وجود مزیت‌های انبوه و کمتر استفاده شده در تولید ملی در اقصی نقاط کشور، و با وجود هزاران عامل تولیدگر در کشور، مزیت نسبی بخش تولید روز به روز کمتر شده و بخش‌های غیرمولد مزیت فزون تری یافته است. بعلاوه زنجیره‌ها و فرایندهای تولیدی نیز نابسامان و بی‌فرجام مانده است. خام‌فروشی و نیمه‌خام‌فروشی در بسیاری از بخش‌ها حاکم است. صادرات مواد خام و نیمه‌خام فقط به خاطر اینکه صادرات است جایزه صادراتی دریافت می‌کند و آن وقت انبوه بنگاه‌های تولیدی کشور با مشکل کمبود و گرانی مواد اولیه روبرو می‌شوند. فرصت‌های بزرگی که برای پیمانکاران ایرانی در خارج از کشور مهیا می‌شود در جهت تقویت زنجیره‌های تولید داخلی بکار گرفته نمی‌شود. انبوه خریدهای کالا و خدمات که توسط دستگاه‌های مختلف دولتی انجام می‌شود بازار بزرگی در داخل ایجاد کرده ولی متأسفانه در جهت تولید ملی از این فرصت بزرگ کمتر استفاده شده است. دستگاه‌های مجری و متولی ارائه خدمات خود را مقید به صیانت از تولید ملی نمی‌دانند. مبالغ هنگفتی که برای واردات کالاهای اساسی توسط دولت خرج می‌شود با پرداخت گران‌تر به کالاهای خارجی، مزیت‌های فعال و موجود داخلی را با چالش مواجه می‌کند.

ریشه همه این معضلات ناشی از بی ارادگی یا بی انگیزگی مدیران دولتی نیست. بلکه ساختارها و سازوکارها و فرهنگ حاکم بر ادارات دولتی نتوانسته تولیدگرایی را جایگزین واردات گرایی نماید. در میان مسئولان و حتی گاه جامعه اینکه یک مدیر دولتی سریعتر یک پروژه را به اتمام برساند ارزش شناخته می شود ولی اینکه چقدر توانسته در این پروژه، ظرفیت سازی برای متخصصان و شرکتهای داخلی صورت دهد مورد توجه نیست.

۷. نگاه هزینه‌ای به بودجه

بودجه عمدتاً در کشور به عنوان منبع هزینه نگریسته می شود و خواسته غالب دولتمردان سهم بیشتر از هزینه کرد آن است اما در مقابل تولید منابع درآمدی برای بودجه مد نظر قرار نمی گیرد. مثلاً فرصتهای بزرگی همچون ترانزیت، صنایع فرهنگی، گردشگری مذهبی و مانند اینها به درستی مد نظر قرار نمی گیرد.

۸. بلاتکلیفی و زمین گیر شدن پروژه های بزرگ زیربنایی

هم اکنون بیش از ۱۵ سال است که پروژه احداث و تکمیل شبکه حمل و نقل ریلی در شرق کشور (کریدور شرق) جزو مصوبات کلان و بخشی است اما به اجرا درنیامده و یا بسیار لاک پشتی حرکت کرده است. ریشه مسئله در آن است که اساساً سازمان‌های دولتی مایلند خودشان اجرای پروژه ها را راهبری نمایند. همچنین اتکای صرف این پروژه ها به منابع بودجه‌ای و درآمدی دولت، مانع از پیشرفت سریع آنها شده است. بعلاوه نظام شفافیت درخصوص قیمت گذاری پروژه ها وجود ندارد و گاهی یک فعالیت با چند برابر قیمت واقعی به انجام می رسد.

۹. زمین ماندن انبوه تحقیقات و فناوری‌ها

هم اکنون با وجود انبوه پژوهشگاه ها و سازمان های تحقیقاتی دولتی و دانشگاهی و خصوصی و نیز هزینه های متعددی که صرف پژوهش و فناوری می شود، هنوز شاهد جریان یافتن چرخه فناوری نیستیم و این هزینه ها در جهت رفع نیازهای کشور نیست. به عبارتی می توان گفت زنجیره دانش و تولید در کشور دچار نقص است و نیازهای بخش صنعت نمی تواند در دانشگاه ها به خوبی پاسخ داده شود.

۱۰. رها شدن مدیریت توسعه روستایی

روستاها هویت های اجتماعی و اقتصادی مهمی هستند و بویژه در کشورهای پرجمعیت و پهناوری مثل ایران، نقش راهبردی در پیشرفت و امنیت اقتصادی دارند. سیاستهایی که توسط دولتهای بعد از جنگ در کشور اتخاذ شد روستاها را شدیداً به حاشیه راند و امنیت غذایی و آمایشی و سیاسی را دچار چالش ساخت. هم اکنون گفته می شود طی ۳۰ سال اخیر، ۶۰ هزار روستا تخلیه شده و روستاییان به شهرها مهاجرت کرده اند. براین اساس چرخه کشاورزی نیز دچار آسیب های جدی شده و مسائلی از جمله آمایش مناطق مرزی نیز به چالش افتاده است.

• راهبردهای اصلاح نظام سیاست گذاری اقتصادی کشور

اهداف و برنامه‌های اقتصادی امروز در کشور ما روشن است و در آنها غالب مسائل فوق‌الذکر مد نظر قرار گرفته است. اما چرا در عمل دستاوردها منطبق با اهداف نیست؟ به این دلیل که دولتها توجهی به محدودیتهای خود نداشته و خواسته اند همه اهداف و برنامه‌ها را در دستور کار خود قرار داده و جهت گیری معینی را دنبال نمی کرده اند. دولت یازدهم در جهت تحول ساختاری، باید به چگونگی‌ها بپردازد و اولویت خود را بر اصلاح و تحول در فرایندها و سازوکارها قرار دهد. در واقع باید فرایند تصمیم‌گیری تا اجرا را درمان و ترمیم نماید. با عنایت به این جهت گیری، مهمترین راهکارهای اجرایی که باید در دستور کار دولت آینده باشد به شرح زیر است:

➤ برنامه‌ی اصلاح و تحول ساختار قوه‌ی مجریه

قوه‌ی مجریه مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه را در تحقق اهداف و سازوکارهای هریک از نظام‌های هفت‌گانه‌ی فوق برعهده دارد. اصلی‌ترین وظیفه در پیشگیری و مبارزه با فساد باید توسط دولت صورت پذیرد؛ همچنان که در تحقق عدالت و استقلال و امنیت و تولید اندیشه هم همین موضوع دلالت خواهد داشت. از این رو «اصلاح و تعمیر هوایم‌ای دولت در حین پرواز»^۱ که حاکی از اصلاح سازوکارها، فرایندها، ساختار و رویه‌های حاکم بر مجموعه اقدامات قوه‌ی مجریه است، اساسی‌ترین اقدام و اولویت دولت یازدهم برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی خواهد بود.

منظور از ساختار، صرفاً شکل و شمایل سازماندهی ادارات و سازمانهای دولتی نیست، بلکه مهم‌تر از آن، سازوکارها و فرایندها و رویه‌ها و فرهنگ حاکم بر آنهاست. فرایندهای اداری که بی‌فرجام است و یا مسیر ناهمواری را برای اداره فعالیت‌های اقتصادی تعبیه کرده است، سازوکارهایی که عوامل اقتصادی را به زحمت مکرر می‌اندازد و رضایت‌بخش نیست، رویه‌هایی که ظالمانه است و یا دست کم کارآمد نیست، فرهنگی که تولید و فناوری را محور نمی‌داند و درکل، ساختاری که چرخ اقتصاد را در مسیر صحیح آن نمی‌چرخاند و دولت را نیز زمین گیر کرده است.

معمولاً رایج است که در بخشهای مختلف اقتصادی، صحبت از وجود مافیای می‌شود و از دولت خواسته می‌شود که دست آنها را قطع کند. به نظر می‌رسد این ساختارها و سازوکارهای غیرعادلانه و ناکارآمد است که مافیای را پشتیبانی کرده و حیات اقتصادی آنها را تضمین می‌کند. هرچند برخورد قاطع و قضایی با مفسدان و متخلفان اقتصادی لازم و ضروری است، اما بدون تحول ساختاری، نمی‌توان مطمئن شد که بار دیگر مافیای جدیدی بروز نکند. اگر می‌گوییم واسطه‌گری ناکارآمد و حتی غیرمعقول بر بخش توزیع حاکم است و باید اصلاح اساسی شود، منظور این نیست که شاغلین در این بخش را به عنوان مافیا شناخته و با آنها برخورد قضایی کنیم، بلکه باید سازوکارها و فرایندها به گونه‌ای متحول شوند که واسطه‌گرها نیز در خدمت تولید ملی قرار گرفته و ماموریت صادرات محصولات ساخته‌شده به بازارهای جهانی را بردوش بگیرند و نه واردات‌گرایی و منزوی کردن تولیدات داخلی را.

مجموعه اقدامات ذیل اهم اقداماتی است که باید برای تحول و اصلاح ساختار قوه‌ی مجریه صورت پذیرد:

۱) نوسازی ساختار ناکارآمد بروکراتیک اداری دولت، حذف موازی کاری و کاهش موانع پیش روی فعالیت

سالم اقتصادی مردم

^۱ این تعبیر از تعابیر رئیس‌جمهور شهید محمدعلی رجایی است.

- ۲) ایجاد زیرساخت‌های نظارتی- اطلاعاتی در دولت جهت تحقق عملی سیاست‌ها
- ۳) توجه به اتاق‌های فکر و برنامه ریزی میان مدت و بلند مدت در بدنه دولت
- ۴) تغییر نگاه مسئولان و کارشناسان از رویکردهای متعارف به رویکردهای منطبق بر واقعیت‌های عینی اجتماع
- ۵) توجه به لوازم فرهنگی و سیاسی کوتاه مدت و بلندمدت تصمیمات اقتصادی

➤ تشکیل شورای عالی اقتصاد

همچنین نهادی عالی به مثابه شورای عالی اقتصاد لازم است که هم قدرت شورایی داشته باشد و هم قدرت مدیریت که به انسجام و اقتدار تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها کمک می‌نماید. این شورا باید با لایه‌های میانی (از قبیل معاونت‌های اقتصادی وزارتخانه‌ها) و محلی (از قبیل استانداری‌ها) نیز در ارتباط مستقیم باشد تا بتواند تصمیمات و برنامه‌های کلان اقتصادی را در مرحله اجرا نیز رصد و هدایت نماید. همچنین حضور موثر و حداکثری نمایندگان بخش‌های غیردولتی از قبیل دانشگاهیان و نخبگان و نیز فعالان و عوامل اقتصادی مثل کشاورزان و صنعتگران در این نظام تصمیم‌گیری جایگاه واقعی و موثر خود را پیدا نمایند.

➤ تفکیک سیاستگذاری از اجرا و نظارت

بسیاری از دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی، در حوزه مربوطه، هم سیاستگذارند و هم مجری و هم ناظر. طبیعی است در چنین ساختاری، نه تنها اهداف پیشرفت و خدمت‌رسانی به درستی محقق نمی‌شود بلکه امکان فساد و تخلف و کم‌کاری به اوج خود می‌رسد و اهدافی همچون استفاده از بازار بزرگ داخلی در جهت تولید ملی به وقوع نخواهد پیوست. مسئولیت‌ها و نهادهای سیاستگذار و مجری و ناظر باید با توجه به حوزه‌های کاری مختلف، از یکدیگر منفک شده و از ظرفیت بخش‌های غیردولتی در این ساماندهی استفاده شود. بسیاری سازمانهای مجری تابعه وزارتخانه‌ها باید از سطوح ستادی خارج شده و تا حد امکان بصورت غیردولتی و البته غیرخصوصی مدیریت شوند تا به سیاستگذاران پاسخگو باشند.

➤ محوریت یافتن آمایش سرزمین در برنامه ریزی و سازماندهی فعالیت‌های اقتصادی

مطالعات آمایش سرزمین بیش از ۵۰ سال در کشور ما سابقه دارد اما هیچگاه مبنا و پایه واقعی برای برنامه‌های اقتصادی نبوده است. چرا هنوز باید طرح‌های توجیهی صنعتی و کشاورزی، در مرکز و در ستادهای وزارتخانه‌ها تهیه یا تأیید شود تا به اجرا درآید؟ چرا طرح‌های کشوری بزرگی همچون احداث واحدهای پتروشیمی و فولاد و ذوب آهن و غیره بدون توجه به تفاوتها و مزیت‌های اقلیمی و انسانی و نهادی مناطق، تصویب و اجرا می‌شود و گاهی عرصه را برای احیای مزیت‌های بومی مناطق تنگ می‌سازد؟ چرا انبوه سازمانها و ادارات دولتی موجود در مناطق و استانها و شهرستانهای کشور باید گوش به زنگ ستادهای مرکزی در تهران باشند تا از بالا برای آنها تعیین تکلیف شود و انباشت استعدادهای و ظرفیتهای انسانی و اجتماعی موجود در منطقه خود را نبینند و بدان بی‌توجهی کنند؟

تولید، توزیع و صیانت از ثروت ملی فقط وقتی امکان پذیر است که مزیت های نسبی و رقابتی مناطق کشور (از استان گرفته تا شهرستان و دهستان)، به تفکیک احصا شده و مد نظر برنامه ریزان و مدیران قرار گیرد. براین اساس، در توسعه کشاورزی و روستایی، باید با ایجاد «هسته های پایدار جهادی» مستقر در سطح دهستان ها (بر مبنای تجربیات بدست آمده از سازمان جهادسازندگی سابق)، و پشتیبانی اطلاعاتی و علمی لازم از سوی دولت، بستر ساختاری پیشرفت اقتصادی در بخش کشاورزی و روستایی فراهم شود. همین رویکرد برای سطح شهرستان و استان نیز با تفاوت هایی قابل پیاده سازی است.

در این چارچوب می توان بسیاری از فعالیتهای اقتصادی از جمله صادرات و واردات، احداث شهرک ها و نواحی صنعتی، احیای اراضی کشاورزی، استقرار اقتصاد دانش بنیان و امثالهم را بازطراحی کرد به گونه ای که در بستر تفاوت ها و تنوع های منطقه ای به حداکثر اهداف خود برسند. همچنین باید در بخشهای کلیدی مانند آب، تمام سیاستها و برنامه ها بر پایه آمایش انجام شود. پیشرفت برخی مناطق کشور که مزیت های نهفته و غیرفعال هنگفتی دارند همچون مناطق ساحلی جنوب، باید در اولویت قرار گیرد. بعلاوه باید به وجود صد ها خوشه تولیدی و زنجیره ارزش در اقصی نقاط کشور و حتی در روستاها توجه نمود و هم و غم مدیران و مسئولان آن مناطق را به احیا و تقویت همین ظرفیتهای گماشت نه آنکه تمام کشور خواهان احداث واحدهای بزرگ و کم بازده و سرمایه بر باشند و ظرفیتهای مناطق معطل بماند.

➤ شفاف سازی اقتصادی

اخلاق و رفتارهای اقتصادی در جامعه باید متحول شود. به گونه ای که مثلاً فرار از مالیات به یک ضدارزش اجتماعی تبدیل شود و مردم خودشان از این امر پیشگیری نمایند. در این زمینه دولت الکترونیک باید از حد شعار و همایش خارج شده و در اولویت اجرایی قرار گیرد. اطلاعات اقتصادی باید در دسترس تمام آحاد جامعه متناسب با نیاز آنها باشد و رانت های اطلاعاتی اقتصادی ریشه کن شود. باید عملکرد عوامل و فعالان موثر در پیشرفت اقتصادی در بخش های مختلف در سطح ملی و بین المللی با دقت و وسواس مورد موشکافی و شناسایی قرار گرفته و آنها که شناسنامه سالم و موفق دارند مورد حمایت و تکریم قرار گیرند. در این زمینه ایجاد سامانه های اطلاعاتی در حوزه هایی مانند ثبت املاک و شرکتهای، پرداخت ها و دریافت های پولی و مالی، گمرک، توزیع مواد اولیه و کالا و مانند اینها باید در اولویت قرار گرفته و اتکا به این سامانه ها ملاک تصمیم گیری ها و فعالیت های اقتصادی باشد.

➤ سپردن وظایف اجرایی دولت به تشکل های اقتصادی غیردولتی

علی رغم وجود هزاران تشکل اقتصادی غیردولتی در قالب های متنوع انجمن ها، اتحادیه ها، تعاونی ها و غیره، در اقصی نقاط کشور بصورت ملی و استانی و محلی، هنوز نقش بزرگی در پیشرفت اقتصادی بر دوش آنها قرار نگرفته است و دست بالا صرفاً مطالبه گر بوده اند. اجرای اقدامات بزرگی همچون شفاف سازی اقتصادی و یا برنامه ریزی منطقه ای و یا آزادسازی ظرفیت های اجتماعی در حوزه اقتصاد، باید بر دوش تشکلهای و نهادهای جمعی غیردولتی قرار گیرد. البته این امر باید با حفظ نقش بازرسی و نظارت دولت بصورتی هوشمند و چابک صورت گیرد. ساماندهی بازارهای داخلی و خارجی، برگزاری نمایشگاه های تخصصی محصولات و فناوریها، شناسایی و ساماندهی نخبگان و فناوران (در پیوند دادن صحیح آنها به بخش های تولید و تجارت، بدون درگیر کردن آنان در فرایندهای دست و پاگیر اداری)، طراحی و مدیریت ایجاد طرح های تولیدی، تکمیل زنجیره های ارزش افزوده، اطلاع رسانی و

هدایت متقاضیان طرح های اقتصادی، نظارت بر هزینه کرد بودجه های عمرانی و اقتصادی و بسیاری وظایف دیگر از این قبیل، باید با تکیه بر توان اجرایی و نهادی و حقوقی این تشکلهای اجرا شود و دولت نقش نظارت عالی بر آنها را داشته باشد. اگر زمانی کالایی مثل مرغ گران می شود ابتدا باید از نهادهای جمعی و تشکلهای مربوطه خواسته شود تا مسئله را ساماندهی و حل و فصل نمایند و اگر نتوانستند دولت وارد شود.

➤ ایجاد و بکارگماری سازمانهای توسعه گر جهادی در مدیریت پروژه های زیربنایی و فناورانه

همچنان که مهندسی و پشتیبانی در دفاع مقدس با استفاده حداکثری از نیروهای مردمی و در قالب سازمانهای جهادی (غیرنظامی و غیرخصوصی و غیردولتی) و با حداکثر بازدهی، سازماندهی و تدارک شد، امروز نیز می توان در عرصه های مختلف پیشرفت اقتصادی، از همین الگو بهره گرفت و سازمانهای مردمی و جهادی مختلفی را در حوزه های کلیدی ایجاد کرد و ماموریت های بزرگ را بردوش آنها گذاشت. این امر بویژه با توجه به فرصت تحریم و نیاز فراوان و سریع به ایجاد ساختارهای چابک و مقاوم و مردمی در مقابل کمبودهای ناشی از تحریم، شدنی و سهل الوصول است. انبوه جوانان و متخصصان مومن و جهادی در کشور وجود دارند که حاضرند بدون چشم داشت و منفعت طلبی، در عرصه های سازندگی و پیشرفت نقش آفرینی کنند. خانواده بزرگ جهادگران جهادسازندگی و تشکلهای غیردولتی آنها، انبوه گروه های جهادی دانشجو و طلبه، اردوهای راهیان نور، سازمانهای خیریه و مراکز خدمات تخصصی خیریه، صندوق های قرض الحسنه محلی و غیررسمی و ظرفیتهای بزرگی مانند اینها در آحاد جامعه ما وجود دارند که باید در مسیر پر پیچ و خم جهاداقتصادی و اقتصاد مقاومتی به کمک دولت بیایند و دولت نیز ماموریت های واقعی و بزرگی را بر دوش آنها بگذارد. زمانی که جوانان این کشور می توانستند ظرف چند ماه، با تجمیع توان های خرد و کلان مردم در اقصی نقاط کشور، به تهیه و تامین ده ها هزار سنگر فلزی و صدها عدد تجهیزات مهندسی و لجستیکی برای یک عملیات در دفاع مقدس فائق آیند، چرا نتوان دوباره همین الگو و سازماندهی را ایجاد و فعال نمود و از آن برای تامین نیازها و کمبودها و مقابله با حملات اقتصادی دشمن استفاده کرد؟

➤ ایجاد و بکارگماری نهادهای مردمی مدیریت توسعه روستایی

مدیریت توسعه روستایی باید بصورتی سامان یافته و نهادی بازسازی شود. جوانان روستایی می توانند محوریت این امر باشند. امور مردم در روستاها باید به دست خود مردم اداره شود. هسته های پایدار مردمی در روستاها می توانند ضمن کمک به دولت در برنامه ریزی بهتر، عاملیت و اداره امور روستاها را خود بدست گیرند. ظرفیتهایی مانند حضور گروه های جهادی از جوانان تحصیلکرده و متعهد نیز می تواند پشتوانه خوبی برای ایجاد و پشتیبانی یک چنین هسته هایی باشد.

➤ ایجاد نظام قدرتمند و فعال در توسعه فناوری

توسعه فناوری یک شعار یا پرستیژ نیست بلکه نیاز مبرم و اساسی تحول اقتصادی است. امروز به مدد گفتمان سازی و ترویج علم و فناوری در کشور، ظرفیتهای متنوع و بزرگی به میدان عمل وارد شده است. به تناسب این امر باید تصمیم گیری و هدایت توسعه فناوری در دولت نیز منسجم شده و به صورتی فعالانه و نه منفعل، هدایت چرخه های فناوری را در بخش های مختلف بدست گیرد. در این امر حضور و مشارکت حداکثری نخبگان و دانشگاهیان و مخترعان امری بدیهی و ضروری است و نمی توان با سازوکارهای مرسوم اداری از عهده این کار برآمد. ایجاد و

هماهنگ سازی نهادهای غیردولتی پشتیبان توسعه فناوری و نوآوری و تکمیل نظام نوآوری و بکارگیری ظرفیتهای نهفته نهادی در این حوزه نیز اولویت دولت آینده خواهد بود.

اقتصاد یکی از مهمترین عرصه‌های نبرد امروز کشور ما با تمدن غرب است. خط مقدم این جهاد، توسعه فناوری و نوآوری است و عقبه آن، تولید ملی است. ما باید در یک حرکت جهادی، علم را به فناوری و فناوری را به تولید و تولید را به پیشرفت اقتصادی متصل نماییم. بیشترین نقاط آسیب پذیر اقتصاد داخلی، و نیز فشارهای دشمن، متوجه این خطوط است. تولید فناورانه و نوآورانه، به مثابه ستون فقرات یک کشور در پیشرفت اقتصادی واقعی است.

توسعه فناوری و رواج نوآوری در اقتصاد، بدون الگوی جهادی امکان پذیر نیست. چرا که عقب ماندگی‌های اقتصاد داخلی در این زمینه زیاد است و جبران آن فقط با همت مضاعف و بسیج همگانی امکان پذیر است. تمهید و زمینه سازی این حرکت جهادی، وظیفه بنیادی دولت آینده در حوزه اقتصاد است تا بدین وسیله، انبوه ظرفیتهای استعدادهای آحاد جامعه، در مسیر تولید و پیشرفت، احیا و شکوفا شود.

• جمع بندی وضعیت موجود و ارائه راهکارها در حوزه های اقتصادی

۱. سیاستهای بخش مسکن:

وضعیت موجود:

- کسری ۱,۱ میلیون واحد به طور خالص (بین ۳ تا ۵ میلیون خانوار فاقد)؛
- نیاز سالانه به ۸۵۰ هزار واحد برای زوجهای جوان؛
- بافت های فرسوده که باید بازسازی شوند: حدود ۳ میلیون واحد؛
- وجود حدود ۸۰۰ هزار واحد مسکن خالی؛
- قیمت بالای مسکن (بین ۱۰ تا ۲۵ برابر درآمد سالانه خانوار- در برابر ۵ برابر استاندارد جهانی) به جهت اینکه در نتیجه افزایش نقدینگی، مسکن تبدیل به کالایی سرمایه ای شده است؛
- تا چهار سال آینده: نیاز به تولید و عرضه حداقل ۱,۲ میلیون واحد در سال؛

راهکارها:

- کنترل تقاضای سرمایه ای برای مسکن از طریق: الف. اصلاح بازار سرمایه و طراحی ابزارهای مالی مناسب، ب. اصلاح قانون مالیات بر زمین و مسکن و ج. ...؛
- ادامه طرح فعلی مسکن مهر (بازبینی و اصلاح الگوی کنونی)؛
- حمایت از تشکیل تعاونی های دانش بنیان (متشکل از جوانان و متخصصین صنعت ساختمان)؛
- مکان یابی نواحی مسکونی جدید و فراهم کردن زیرساختها (شهرسازی به جای مسکن سازی)؛
- تشویق سازمان ها و شرکت ها به تشکیل تعاونی مسکن و واگذاری زمین به آنها (زمین شهری- اوقاف و ...)
- تخصیص زمین و ارائه تسهیلات به گروه ها ۲ تا ۸ نفره که آمادگی ساخت دارند؛
- استفاده از منابع مالی داخلی و خارجی (برای ۱,۲ میلیون واحد نیاز است به ۶۰ هزار میلیارد تومان در سال. وضعیت الان کمتر از ۴ هزار میلیارد تومان است. با آورده ۳۰ درصدی افراد، ۴۰ هزار میلیارد دیگر لازم است که منابع سرمایه گذاران بزرگ و حتی سرمایه گذاران خارجی را می طلبد)؛
- استفاده از ظرفیت های مالی بازار سرمایه در تامین مالی بخش ساخت و ساز مسکن (توسعه و حمایت از صندوق های سرمایه گذاری زمین و مسکن و ...)
- ورود سازمان اوقاف به ساخت مسکن به خصوص استیجاری و مدیریت آن؛

۲. سیاستهای ارزی: وضعیت موجود:

- اهمیت ارز در رفاه جامعه؛
- فقدان بازار ارز کارآمد. عرضه کنندگان (صادرکنندگان) از تقاضاکنندگان (واردکنندگان) جدا هستند. لذا قیمت تعادلی وجود نداشته و همواره در این بازار کسری یا مازاد وجود داشته است؛
- تبدیل شدن ارز به کالای سرمایه ای (بیشتر به جهت بالا بودن حجم نقدینگی بالا) به خصوص در سالهای اخیر و با شدت کاهش ارزش پول ملی؛
- دشواری در مبادلات ارزی به دلیل تحریم ها؛
- صعوبت رشد تولید ملی (با وجود ظرفیت رقابتی ایجاد شده پس از افزایش قیمت ارز) به جهت ضعف پایه ها و زیرساختهای تولید در داخل؛

راهکارها:

کوتاه مدت:

- شناسایی و دسته بندی نیازهای ارزی و نظارت دقیق بر آن؛
- تامین ارز مورد نیاز برای کالاهای اساسی و نظارت دقیق بر نحوه هزینه کرد آن؛
- ایجاد موانع تجاری برای واردات (جهت کنترل تقاضا برای ارز) همانند تعرفه ها؛
- اعلام نرخ ارز ثابت سالانه و تغییر تدریجی آن در هر سال؛
- تنظیم سیستم بازار به نحوی که همه انواع تقاضا برای ارز تامین شود (ولو با سیستم چند نرخی)؛
- جلب انگیزه صادرکنندگان برای عرضه ارز خود در بازار (و عدم اجبار ایشان - به جهت حفظ انگیزه های صادراتی)؛

میان مدت:

- راه اندازی مرکز تهاتر ارزی (جهت حذف اثرات تحریم های شبکه بانکی)؛
- کنترل نقدینگی و تورم؛
- انضباط مالی در بودجه دولت؛
- هماهنگی سیاستهای پولی، مالی و ارزی؛

بلندمدت:

- تغییر تمایلات جامعه به جایگزینی کالاهای خارجی با داخلی؛
- تنوع بخشی به صادرات و تحدید واردات؛
- ارتقاء بهره وری؛

۳. سیاستهای مالیاتی:**وضعیت موجود:**

- درآمدهای مالیاتی فعلی امکان استقلال بودجه از منابع نفتی را فراهم نمی کند؛
- سیستم مالیاتی علی الراس نارضایتی بالایی ایجاد می کند. ممیزان مالیاتی نیز به جهت سادگی تمایل زیادی به این الگو دارد؛
- فرار مالیاتی در سطح نسبتا بالایی قرار دارد؛
- میزان مطالبات مالیاتی گذشته نسبتا زیاد است؛
- مساله جمع مالیاتهای شرعی (علی الخصوص خمس) و مالیاتهای متعارف همچنان لاینحل باقی مانده است؛

راهکارها:**کوتاه مدت:**

- تقویت نظام مالیات بر ارزش افزوده و اجرای آن در تمامی سطوح اقتصادی؛
- آموزش مودیان و ممیزهای مالیاتی در حوزه مالیات بر ارزش افزوده؛

میان مدت:

- اجرای طرح جامع مالیاتی (تقویت بستر اطلاعاتی و ...)
- اجرای طرح تحول مالیاتی؛
- تاسیس جامعه مشاوران مالیاتی؛
- بازنگری در نظام های معافیت مالیاتی (معرفی معافیت های تقویت کننده تولید و حذف معافیت های بی اثر)؛

بلندمدت:

- در یک دوره ده ساله می بایست کل بودجه عمومی دولت را تامین مالی کند (راهکار اصلی: تقویت پایه مالیاتی - تقویت تولید، جلوگیری از فرارهای مالیاتی)؛
- تقویت فرهنگ مالیاتی؛
- تقویت پایه مالیاتی (تقویت تولید و ...) به جای اصرار بر افزایش نرخ مالیاتی؛
- برنامه ریزی مالیاتی به عنوان یکی از ابزارهای مهندسی مالی در جهت پیشرفت تولید و ارتقاء عدالت؛
- حرکت از مالیات بر درآمد (سالانه) به سمت مالیات بر پس انداز (مازاد) دوره جاری (که مالیات بر مسکن، مالیات های شرعی و ... را در بر می گیرد و دارای شفافیت مالیاتی بالاتر، عدالت مالیاتی بالاتر، تشویق سرمایه گذاری و تقویت سهم بخش بیمه در تولید ناخالص داخلی و ...)

۴. سیاستهای بخش نفت و گاز:

وضعیت موجود:

- ایران دارای بالاترین ذخایر نفت و گاز جهان (به صورت سرجمع) می باشد و لذا این بخش می تواند محور توسعه صنعتی کشور باشد؛
- حدود ۱۵۰ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال؛
- خروج تعداد زیادی از سرمایه گذاران و پیمانکاران نفتی بر اثر تحریم ها؛
- جایگاه دومی اپک در اثر تحریم ها در حال از دست رفتن است؛
- عمده کشورهای نفت خیز منطقه نفت ۲۰۱۳ را ۸۵ دلار در نظر گرفته اند و لحاظ ۹۵ دلار بودجه ۹۲ ریسک بالایی به همراه دارد؛
- پیش بینی ها نشان می دهد در سالهای آتی کاهش عرضه و کاهش قیمت خواهیم داشت که نتیجه آن کاهش منابع ارزی و منابع درآمد دولتی خواهد شد؛
- بیش از ۸۰ درصد تجهیزات پالایشگاهی وارداتی است، در حالیکه تولیدکنندگان داخل تنها با ۵۰ درصد ظرفیت در حال فعالیت هستند (عدم عزم مدیران نفتی برای مصرف کالاهای داخلی)؛
- مهاجرت نخبگان صنعت نفت و گاز به شرکت های خارجی به جهت درآمدهای انتظاری بالاتر در خارج از کشور (در نتیجه افزایش نرخ ارز)؛

- مشکل انتقال ارز خارجی وزارت نفت به داخل (جهت پرداخت وجوه ریالی قراردادهای پیمانکاری داخلی)؛
- توان تخصصی و تدبیر پایین مدیران بخش نفت و گاز (و ماجرای گل به خودی مدیران)؛

راهکارها:

کوتاه مدت:

- ایجاد سازمان ساخت داخل (ارتباط دهنده تامین کنندگان داخلی تجهیزات با مصرف کنندگان این تجهیزات)؛
- ارتقاء قابل توجه درآمدهای نیروی های نخبه صنعت نفت جهت جلوگیری از مهاجرت آنها (نیروی کارشناس در این بخش بسیار حیاتی است)؛
- تقویت بخش دریایی (خریداری دکل های حفاری آبی در اسرع وقت)؛
- ارتقاء دانش مدیران صنعت نفت (بسیاری از مدیران کنونی تسلط کافی بر موضوعات استراتژیک ندارند)؛
- تقویت الگوهای تهاتر ارزی جهت بهره برداری ریالی از منابع ارزی وزارت نفت در خارج از کشور؛

میان و بلندمدت:

- وابسته کردن کشورهای خارجی به منابع خود (ایران جزیره آرامش است: توسعه صادرات گاز و تولید برق و صادرات آن - که موجب تقویت امنیت ملی در مقابل تهدیدات بین المللی می شود)؛
- در سرمایه گذاری ها، گاز اهمیت بیشتری نسبت به نفت دارد. نیازهای گازی به شدت در حال افزایش است و صادرکنندگان در منطقه کم هستند (امکان لوله کشی برای امارات و ... وجود ندارد)؛
- تقویت الگوی سوپ (کریدر شمال - جنوب)؛
- کاهش وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی (سالانه ده درصد)؛

بلندمدت:

- تبدیل نفت و گاز به محور توسعه صنعتی کشور (توسعه چرخه ارزش در داخل کشور و خودداری از خام فروشی)؛

۵. سیاستهای بازار سرمایه:

وضعیت موجود:

- نقش ضعیف تجهیز منابع مالی در بازار اولیه برای پروژه های ملی با بازدهی مناسب (مکانیزم مناسبی برای تامین مالی این گونه طرح ها در بازار اولیه وجود ندارد؛
- کمبود ابزارهای مالی متنوع برای تامین مالی نظام تولید در کشور براساس ویژگی های متفاوت شرکت ها، پروژه ها و علایق سرمایه گذاران؛
- نبود شفافیت اطلاعاتی و ایجاد رانت های اطلاعاتی بزرگ؛
- فقدان سازوکار مناسب برای جذب سرمایه های خارجی از طریق بازار سرمایه؛
- فرهنگ شدید معاملات سفته بازی؛
- بخش عمده گردش مالی در بازار ثانویه صورت می گیرد (بیش از ۷۵ درصد) و کمتر از ۲۵ درصد آن در بازار اولیه (محل تامین مالی طرح های جدید) شکل می گیرد؛
- نبود سرمایه خطر پذیر و فرار سرمایه گذاران از آن؛
- تخصیص نامناسب سهام شرکت های ذیل اصل ۴۴ به بخش خصوصی و تعاونی و شبه دولتی نمودن این شرکت ها؛
- نبودن بازارهای مالی (بورس منطقه ای) جهت تعیین قیمت کالاهای خاص از جمله انرژی؛

راهکارها:

میان و بلندمدت:

- تسهیل فرآیند توسعه ابزارها و خدمات نوین مالی در بازار سرمایه از طریق تصویب آیین نامه ها و قوانین مناسب؛
- توسعه بازار فرابورس جهت افزایش نقش بازار در تامین مالی شرکت ها با گسترش بازارهای دوم، سوم و تابلوی شرکت های دارای سرمایه خطرپذیر در فرابورس؛
- تقویت عملکرد نهادهایی از جمله شرکت های تامین سرمایه در تامین مالی طرح های پر بازده؛
- تسهیل ورود سرمایه گذاران خارجی از طریق ارائه مجوز تاسیس صندوق های سرمایه گذاری ارزی؛
- توسعه سرمایه گذاری خطرپذیر از طریق توسعه نهادهای اعتبارسنجی و تشکیل کنسرسیومی از بانکها جهت تامین مالی سرمایه گذاری های خطرپذیر؛

۶. کارت های اعتباری (الگوی تخصیص یارانه های مستقیم):

وضعیت موجود:

- در الگوی کنونی یارانه های نقدی، ۳۵ درصد جمعیت منتفع شده اند (به جهت بالاتر بودن دریافتی ها نسبت به افزایش هزینه ها) و ۶۵ درصد متضرر شده اند- تورم سال ۱۳۹۱ حدود ۳۵ درصد بوده است؛
- این الگو باعث افزایش کسری بودجه شده است؛
- قانون کنونی هدفمندی یارانه ها به طور متوسط باعث کاهش تولید واحدهای صنعتی شده است (به جهت افزایش قابل توجه هزینه های تولید)؛
- اثر اولیه قانون فوق بر کاهش قاچاق سوخت ابتدا مثبت و پس از مدتی به جهت افزایش نرخ ارز، قاچاق مجددا تشدید شده است؛
- تنها ۵۵ درصد یارانه های نقدی پرداختی از محل افزایش قیمت های انرژی (تصحیح قیمت ها) صورت گرفته و بقیه از محل بودجه عمومی و یا استقراض از بانک مرکزی تامین شده است؛
- این الگو موجب افزایش تقاضا برای ارز شده است (به جهت انتظار کاهش ارزش پول ملی و ...)

راهکارها:

کوتاه و میان مدت:

- کاهش آثار تورمی هدفمندی و تقویت تولید ملی از طریق اختصاص منابع به کارت خرید کالا و خدمت ایرانی:

روش: اختصاص مبلغی به هر خانوار در قالب کارتی که فقط می تواند با آن کالا یا خدمت ایرانی خریداری نماید؛

منابع: الف. کوتاه مدت: منابع فعلی یارانه های نقدی (در قالب قانون بودجه ۹۲) - ب. میان مدت: مازاد منابع حاصل از فروش داخلی نفت و گاز با قیمت های واقعی (پس از ۱. کسر سهم صندوق توسعه ملی (۲۰ درصد) - به عنوان صندوق عدالت بین نسلی - ۲. کسر شرکت نفت جهت سرمایه گذاری در پروژه های نفتی (۱۵ درصد) و ۳. سهم دولت از طریق مالیات (۲۵ درصد)؛

اثر این الگو: تقویت تولید ملی در ضمن توزیع مستقیم یارانه ها؛

میان و بلندمدت:

- ایجاد نظام آماری کارآمد جهت دسته بندی درآمدهای خانوارها و تغییر میزان یارانه تخصیصی به دهک های مختلف (حذف یارانه های چهار دهک بالا و دوبرابر نمودن یارانه های چهار دهک پایین)؛

۷. سیاستهای مهار تورم:

وضعیت موجود:

- به لحاظ میزان تورم سومین کشور جهان هستیم (به طور متوسط و براساس آمارهای بانک جهانی)؛
- احساس عمومی مردم نسبت به تورم بسیار بالاتر از آمارهای رسمی است؛
- هدفمندی یارانه ها به خودی خود تورم را زایل کرده است و پس از کنترل آهنگین ماه های اول، اثرات تورمی این قانون ظاهر شد؛
- شوک های اقتصادی سال های اخیر (ناشی از تصمیمات خلق الساعه دولت و یا شوک های خارجی) باعث بروز انتظارات تورمی و در نهایت تشدید تورم شده است. این بی ثباتی ها باعث عدم امکان برنامه ریزی تولیدی برای تولیدکنندگان نیز شده است؛
- ضعف زیرساختهای تولیدی کشور مانع از افزایش تولید داخلی پس از شوک های خارجی (افزایش نرخ ارز و تحریم ها) گردید و تورم خارجی را تقویت نمود؛
- افزایش نقدینگی (در نتیجه کسری بودجه دولت، ارائه تسهیلات ناکارآمد و هنگفت برای اشتغالزایی، تعویق بدهی های بانکی و ...) که در نهایت بدون ارتقاء تولید، موجب افزایش تقاضا و تشدید تورم گردید؛
- نقش شبکه های رانتهی و مافیایی (بخش توزیعی اقتصاد) در افزایش غیر منطقی قیمت ها، پس از اعلام خبرها در مورد تغییر برنامه های ارزی یا ... (مساله احتکار و اثر شدید آن بر تورم)؛
- اثرات کسری بودجه که از طریق برداشت از صندوق توسعه ملی و یا استقراض از بانک مرکزی باعث افزایش نقدینگی گردید؛
- تحریم های خارجی بر تورم موثر بوده است (الف). تحریم های کالایی و افزایش هزینه مبادلاتی واردات و ب. تحریم های بانکی که باعث افزایش هزینه واردات و نیز هزینه تولید داخلی گردید)؛

راهکارها:

کوتاه مدت:

- اصلاح الگوهای نظارت بر قیمت ها (نظارت درونی و بیرونی) در کوتاه مدت در جلوگیری از افزایش های غیرمنطقی قیمت ها موثر خواهد بود؛
- ثبات تصمیمات اقتصادی یکی از مهمترین عوامل تثبیت سطح عمومی قیمت هاست؛
- اصلاح بازارهای مالی و اتخاذ سیاستهای جذب منابع مالی و نقدینگی به بخش های تولیدی (اصلاح نظام بانکی - اصلاح بازار سرمایه)؛

میان و بلندمدت:

- پیگیری جدی سیاستهای تقویت تولید داخلی؛
- تنظیم دقیق بودجه و امتناع کسری آن؛

بلندمدت:

- پیگیری موضوع استقلال بانک مرکزی؛
- رفع عوامل روانی موثر بر تورم در بلندمدت (ثبات اقتصادی و ...)

۸. سیاستهای بودجه دولت:

وضعیت موجود:

- کسری بودجه مزمن (و به خصوص بخش غیر نفتی آن)؛
- وابستگی زیاد بودجه به نفت (به طور متوسط در ۱۲ سال پیش، بیش از پنجاه درصد بودجه عمومی و بیش از ۳۰ درصد بودجه جاری دولت به بودجه وابسته بوده است)؛
- پایین بودن درآمدهای مالیاتی (کمتر از چهل درصد - که بخش مهمی از آن نیز مالیات بر درآمدهای نفتی است که با کاهش درآمدهای نفتی آن نیز کاهش می یابد)؛

- شیوه و فرآیند نامطلوب، غیرعلمی و غیرشفاف تنظیم بودجه دولت (الف). تخصیص حدود ۹۰ درصد از بودجه کشور به صورت متمرکز و عدم لحاظ اقتضات منطقه ای و محلی آنها، ب. عدم توجه به میزان کارآیی بودجه های تخصیص یافته به دستگاه ها و برنامه های مختلف و ...؛
- اشتباه در نوع نگاه به درآمدهای نفتی (اینکه مدیران تصور میکنند هرچه درآمد از نفت و ... حاصل می شود باید مصرف شود)؛
- فرار مالیاتی گسترده (با قوانین کنونی مالیات، می توان درآمدهای مالیاتی را تا حد زیادی بالا برد)؛

راهکارها:

کوتاه مدت:

- اولویت بندی در مخارج به منظور کاهش کسری بودجه؛
- تامین کسری درآمدها با روش های غیر تورمی؛
- پیگیری تصویب و تهیه مقدمات اجرای لایحه اصلاح قانون مالیات های مستقیم؛

میان و بلندمدت:

- اصلاح ساختار معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری و بازنگری فرآیند تدوین و تصویب بودجه،
- کاهش اتکای هزینه های جاری دولت به درآمدهای نفتی طی چهار سال (سالانه ۷,۵ درصد)؛
- اجرای لایحه اصلاح قانون مالیات های مستقیم؛
- تصویب و اجرای قوانین مربوط به مالیات بر ثروت های بادآورده (CGT)؛
- پیاده سازی کامل نظام بودجه ریزی عملیاتی؛
- تقویت الگوهای بودجه بندی منطقه ای و ارائه اختیارات مالی به مناطق (پس از تقویت زیرساختهای مورد نیاز: الف. تقویت منابع انسانی، ب. تدوین دستورالعمل های لازم)؛

بلندمدت:

- محدود کردن برداشت دولت از درآمدهای نفتی به مالیات شرکت ملی نفت ایران و واریز مابقی درآمد به صندوق توسعه ملی؛

- اجرای کامل نظام مالیات بر مجموع درآمد (شبهه الگوی خمس) و اجرای نظام جامع مالیات بر آلاینده های زیست محیطی؛
- طراحی و پیاده سازی نظام بودجه ریزی بر مبنای صفر (حذف تخصیص بودجه به دستگاه ها و برنامه هایی که فاقد بهره وری هستند)؛

۹. سیاستهای بخش تولید:

وضعیت موجود:

- ضعف بخش تولید در پاسخ گویی تقاضای داخلی؛
- بهره وری پایین عمده واحد های تولیدی در کشور؛
- هدر رفت نهاده های تولید در فرآیندهای تولیدی؛
- عدم تأمین نیاز های اساسی و استراتژیک کشور در داخل؛
- منفی بودن نرخ رشد صنعت در سه سال اخیر (منهای ۱۶ درصد در سال ۱۳۹۱- از این جهت رتبه اول جهان)؛
- کیفیت پایین تولیدات داخلی؛
- عدم توجه به مزیت ها در توسعه بخش های صنعتی؛
- رشد بخش های نامولد (از جمله بخش توزیع، واسطه گری و ...)
- وضعیت نامناسب تکنولوژی در بخش تولید؛
- بی اثر بودن سازوکارهای حمایتی کنونی؛
- وجود ظرفیت اسمی خالی در بیش از هفتاد درصد از واحدهای صنعتی؛
- دشواری مضاعف در تأمین مالی بخش تولید؛
- تعداد و نسبت پایین بنگاه های کوچک (ناموفق بودن طرح توسعه بنگاه های زودبازده در دولت های نهم و دهم)؛
- سطح پایین توان کارآفرینی در کشور؛
- وابستگی بخش قابل توجهی از صنایع داخلی به نهاده ها و فنآوری خارجی؛

راهکارها:

کوتاه مدت:

- تشکیل کارگروه حمایت از تولید ملی و تدوین برنامه فوری جهت سامان دهی برنامه های کنونی حمایت از تولید؛
- حفظ انگیزه ارتقاء تولیدات صادراتی از طریق اجازه تهاتر ارز (و یا فروش آن در بازار آزاد) به صادرکنندگان و نیز تثبیت سیاستهای ارزی؛
- پرداخت سهم بخش تولید از قانون هدفمندی یارانه ها: الف. با اشکال مختلف و حسب نیازهای بخشی - منطقه ای در صنایع (کمک های فنی جهت ارتقاء فنآوری، ارائه تسهیلات ارزان قیمت، یارانه نقدی و ... - این الگوها می بایست در جریان مطالعه ای دقیق شناسایی و جهت تخصیص منابع پیش بینی شده در قانون برنامه ریزی شود. نگاه تک جهتی ناکارآمد خواهد بود)، ب. اخذ تعهد از واحدهای تولیدی (جهت حفظ تولید، کاهش سرانه مصرف انرژی، ارتقاء فنآوری، توسعه صادرات، توسعه اشتغال و ...) همراه با نظارت کافی؛

میان مدت:

- شناسایی نیازمندی های خارجی بخش تولید (اعم از نهاده ها و فنآوری) و **تنظیم برنامه تکمیل زنجیره داخلی تولید** (با تاکید بر اولویت های راهبردی و نیازهای ضروری)؛
- توسعه بنگاه های کوچک و متوسط (آسیب شناسی الگوی توسعه بنگاه های زودبازده در دولت نهم: الف. مساله فقدان نظارت کافی، ب. مساله فقدان توان کارآفرینی و ...)؛
- توسعه و تقویت نهادهای ارزیابی طرح های سرمایه گذاری (خصوصی) و الزام قانونی نهادهای تامین مالی کننده به دریافت تاییدیه توجیه فنی و اقتصادی از نهادهای مذکور (همراه با طراحی و اجرای الگوهای ارزیابی و رتبه بندی نهادهای ارزیابی طرح های سرمایه گذاری)؛
- طراحی و اجرای الگوهای تامین مالی واحدهای تولیدی کوچک و متوسط از طریق بازار سرمایه و ابزارهای مهندسی مالی (تشکیل کنسرسیوم های تخصصی و بخشی با حضور بانک ها، شرکت های سرمایه گذاری، صندوق های سرمایه گذاری و نهادهای دولتی حمایت کننده)؛
- اولویت بندی محصولات تولیدی داخل براساس نیازهای راهبردی و همچنین مزیت های نسبی کشور؛
- طراحی الگوهای تشویق واحدهای تولیدی کارآمد و واجد مزیت یا اولویت بالاتر؛
- حمایت هدفمند از تولید (قطع حمایت از بخش های ناکارآمد و غیر ضروری)؛

- اصلاح برنامه های خصوصی سازی به سمت مردمی سازی اقتصاد (با هدف الف. ارتقاء سطح بهره وری و کارایی و ب. توزیع عادلانه مالکیت)؛
- بازطراحی قوانین مالیاتی به نفع تقویت پایه های تولیدی (بدون کاهش بلندمدت درآمدهای مالیاتی کشور)؛

بلندمدت:

- تغییر عقود مبنای ارائه تسهیلات بانکی به تولیدکنندگان به سمت الگوهای مشارکتی واقعی (مشارکت بانک ها و سایر تامین مالی کنندگان در سود و زیان- اصلاح نظام بانکی)؛
- توانمندسازی بخش خصوصی (مردم) در فعالیت و مدیریت سرمایه گذاری (تقویت فرهنگ و تربیت اقتصادی از طریق نهادسازی، ارتقاء سطح دانش و مهارت و ...)
- ارزیابی و ارتقاء فنآوری در بخش تولید (با هدف افزایش کارایی و سودآوری بخش های تولیدی)؛
- تبدیل مزیت های تولیدی طبیعی به مزیت های تولیدی واقعی (از طریق تقویت اجزاء مصنوعی- غیرطبیعی- زنجیره ارزش)؛

۱۰. سیاستهای توسعه روستایی و محرومیت زدایی:

مروری بر وضعیت موجود

- نسبت جمعیت روستائی به نفع جمعیت شهری در حال کاهش است؛
- با وجود توسعه امکانات و خدمات روستایی (سرمایه گذاری های زیربنایی پیشین) جمعیت روستایی در حال مهاجرت به سمت شهرها هستند؛
- مساله آب سالم، یکی از مهمترین مسائل در ارائه خدمات رفاهی روستایی است. بسیاری از روستاها فاقد شبکه تامین آب بهداشتی هستند و یا شبکه های موجود در آنها معیوب است (بیش از ۴۰ درصد)؛
- انرژی (گاز) از مهمترین معضلات روستاییان است. احداث خطوط انتقال گاز با هزینه های بسیار بالایی روبروست. البته تقریبا همه روستاهای بالای بیست خانوار دارای برق هستند؛
- بسیاری از روستاها فاقد مدرسه راهنمایی هستند (بیش از سی درصد) و به جهت عدم امکان سفر برای فرزندان، جمعیت مهمی از کشور در مقطع ابتدایی متوقف می شوند؛

به سوی تحقق حیات طیبه | برنامه ی اقتصاد مقاومتی در دولت یازدهم

دکتر سعید جلیلی | کاندیدای یازدهمین دوره ی انتخابات ریاست جمهوری

www.masir1357.ir , www.drJalily.com

- بیشتر روستاها فاقد خانه بهداشت و پزشک هستند. احداث خانه بهداشت هزینه زیادی ندارد، اما انتقال پزشک ولو در قالب طرح های اجباری و ... مستلزم هزینه زیاد (حق الزحمه بالا) است؛
- بسیاری از روستاها فاقد راه مناسب (آسفالت هستند). همین امر به توسعه بخش کشاورزی و دامداری آنها لطمه وارد نموده است. احداث راه های روستایی بسیار هزینه بر است؛
- اکثریت جمعیت فقیر در روستاها زندگی می کنند و توده جمعیت روستایی از درجه محرومیت بالاتری نسبت به شهرنشینان برخوردارند (درآمد متوسط روستاییان پایین است)؛
- نرخ بیکاری در روستاییان به مراتب بیشتر از متوسط کشور است؛
- بی عدالتی نسبی در توزیع امکانات و خدمات روستایی؛

راهکارها

راهکارهای کوتاه مدت

- تهیه سیمای توسعه روستایی برای همه روستاهای کشور (به منظور شناسایی دقیق معضلات و نیازمندی ها)؛
- تشکیل کارگروه توسعه نواحی روستایی (ذیل شورای برنامه ریزی و توسعه استان) به منظور اولویت بندی طرح های توسعه روستایی و تعیین سهم نواحی روستایی از بودجه استان (در تعامل با شورا و کمیته های برنامه ریزی استان)؛
- تدوین برنامه تامین فوری نیازمندی های ضروری نواحی روستایی (شامل تعمیر سریع شبکه های معیوب آبرسانی، تامین خدمات بهداشتی و درمانی برای روستاهای فاقد آن و ...)

راهکارهای میان مدت

- تنظیم نظام نامه مشارکت ساکنین نواحی روستایی در تدوین برنامه های توسعه روستایی و تعریف پروژه های مرتبط؛
- شناسایی منابع محلی کسب درآمد عمومی در نواحی روستایی به منظور تامین مالی طرح های رفاهی و توسعه همان روستاها؛

- تنظیم و تصویب قوانین بهره برداری از منابع درآمدی محلی به منظور توسعه نواحی روستایی (شامل مراتع، معادن و سایر منابع طبیعی، نهاده های تولیدی متعلق به بخش دولتی یا عمومی در محدوده روستاها و ...)
- محاسبه سهم عادلانه هر روستا از منابع دولتی (با توجه به معیارهایی از جمله جمعیت فعلی و میزان برخورداری های کنونی) به منظور تنظیم سیر آتی تخصیص بودجه به نواحی روستایی و جهت دهی وضعیت موجود به سمت عدالت جغرافیایی؛
- ایجاد سازوکار مشارکت نخبگان روستایی در هدفگذاری، برنامه ریزی و طراحی طرح های توسعه ناحیه روستایی متبوع؛
- ارائه خدمات کسب و کار به منظور ایجاد شغل دوم و توسعه فعالیت های اقتصادی مکمل برای روستاییان، از جمله صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع دستی (شامل آموزش های کارآفرینی و حرفه ای، تسهیلات خاص، بازاریابی، پشتیبانی بیمه ای و ...)

راهکارهای بلندمدت

- تدوین و ارائه لایحه توسعه جامع نواحی روستایی (در این لایحه قواعد مربوط تعیین سهم روستاها از بودجه های عمرانی، نهادهای مسئول توسعه روستایی، الگوی اولویت بندی ارائه خدمات روستایی، سازوکار تصمیم گیری در خصوص طرح های توسعه روستایی، جایگاه توسعه روستایی در برنامه های آمایش سرزمین و برنامه های ملی و ...)
- رفع کامل محرومیت در حوزه خدمات شش گانه اصلی (آب سالم، انرژی، راه آسفالت، خانه بهداشت و پزشک، مدرسه راهنمایی)؛
- ارتقاء فضای کسب و کار در نواحی روستایی (به نحوی که روستاییان با توجه به مزیت های ناحیه ای موجود، امکان ایجاد فعالیت اقتصادی پایدار و پردرآمد را داشته باشد)؛

۱۱. سیاستهای بودجه بندی منطقه ای:

مروری بر وضعیت موجود

- تخصیص حدود ۹۰ درصد از منابع بودجه عمومی به صورت متمرکز (توسط نهادهای مرکزی، از جمله وزارتخانه ها و سازمان ها) و توزیع استانی تنها حدود ۱۰ درصد از آن؛

به سوی تحقق حیات طیبه | برنامه ی اقتصاد مقاومتی در دولت یازدهم

دکتر سعید جلیلی | کاندیدای یازدهمین دوره ی انتخابات ریاست جمهوری

www.masir1357.ir , www.drJalily.com

- ناکارآمدی کلی بودجه با توجه به اولاً) تخصیص بخشی کمی از آن به صورت منطقه ای و ثانیاً) ناکارآمدی نسبی الگوهای فعلی تخصیص بودجه در داخل استان ها و شهرستانها؛
- نوسانات زیاد در برنامه های تمرکززدایی مالی و قوانین مربوط به آن؛
- فقدان منابع درآمدی محلی کافی برای توسعه استان ها (در مورد حدود ۱۰ استان محروم)؛
- عدم توازن و بی عدالتی در وضعیت خدمات رفاهی، زیرساختها و سطح توسعه استان ها (در نتیجه تفاوت در میزان بودجه دولتی اختصاص یافته به استان ها و شهرستانهای مختلف طی دهه های متمادی)؛
- بی عدالتی در توزیع درآمد و ثروت (درآمد سرانه و ثروت سرانه) در مناطق (استانها و شهرستانهای) مختلف به علت تفاوت در رانت های ناشی از الگوی نامناسب بودجه ریزی ملی و نحوه توزیع منطقه ای آن؛
- ناکارآمدی در تخصیص منابع استانی بین شهرستانها، نواحی و بخش های مختلف (عدم تناسب بودجه صرف شده با نتایج به دست آمده)؛

راهکارها

کوتاه مدت:

- شناسایی ضرورت های عمرانی مناطق (استانها و شهرستانها) جهت تخصیص بودجه در سال ۹۲ (با همکاری دستگاه های محلی و وزارتخانه ها و تحت نظارت سازمان یافته هیات دولت)؛
- تهیه دستورالعمل های واگذاری ۳۰ درصد از اعتبارات عمرانی سال ۱۳۹۲ (تملک دارایی های سرمایه ای) دستگاه های مرکزی به نهادهای مرتبط در استان ها (با همکاری وزارتخانه ها و دستگاه های محلی)؛
- تعیین اولویت های بخشی - منطقه ای جهت لحاظ در قانون بودجه ۱۳۹۳؛
- ارزیابی و آسیب شناسی میزان کارایی الگوی تخصیص بودجه طی سفرهای استانی دولت های نهم و دهم (به عنوان یک تجربه) جهت بازطراحی الگو در سه سال بعدی دولت یازدهم؛

میان مدت:

- سنجش نیازهای تخصصی و مهارتی کارشناسان و مدیران بودجه ریز در استانها و شهرستانها و برگزاری سریع کارگاه های دانش افزایی مورد نیاز؛
- تدوین معیارهای توزیع عادلانه بخشی - منطقه ای بودجه و طراحی الگوهای کاربردی تخصیص بخشی - منطقه ای بودجه (تا سطح شهرستان) با قابلیت انعطاف کافی نسبت به تغییر شرایط فضایی در استان ها و شهرستانهای مختلف کشور؛
- تهیه برنامه زمان بندی شده نیازمندی های بودجه ای استان ها، شهرستانها به تفکیک بخش ها برای افق ۱۴۰۴، با لحاظ معیارهای عدالت منطقه ای بودجه؛
- تهیه برنامه زمان بندی شده جریان درآمدی استان ها و شهرستانها به تفکیک بخش ها برای افق ۱۴۰۴، با تعیین میزان اطمینان حصول هریک و سناریوهای جایگزین در صورت بروز مسائل خاص؛

بلندمدت:

- تدوین لایحه بودجه بندی منطقه ای (با هدف تعیین سازوکارهای عملیاتی توزیع عادلانه و کارآمد بودجه در گستره جغرافیایی کشور، تعیین منابع درآمدی برای برنامه های توسعه منطقه ای با هدف خلق منابع و امکانات جدید و ...)
- تقویت بنیه علمی، فنی و تخصصی نهادها، مدیران و کارشناسان متولی بودجه ریزی منطقه ای، به خصوص در سطوح استانی و شهرستانی؛

۱۲. برنامه ریزی منطقه ای و آمایش سرزمین:

مروری بر وضعیت موجود

- برنامه ریزی منطقه ای و آمایش سرزمین در ایران از قدمتی طولانی برخوردار است، لکن در طول تاریخ قبل و بعد از انقلاب اسلامی این الگو دچار نوسانات شدید (در جزییات و حتی در اصل پیگیری آن) شده است؛
- از سال ۱۳۷۷ روند جدیدی در برنامه ریزی منطقه ای و آمایش سرزمین آغاز شد، اما در سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ این روند با تغییرات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و حذف نهادهایی از جمله مرکز ملی آمایش سرزمین با رکود مواجه شد؛
- در برنامه پنجم مجدداً تشکیل شورای عالی آمایش سرزمین در نظر گرفته شده است؛

- با وجود اینکه مقرر است برنامه های آمایش مبنای برنامه ریزی توسعه و تخصیص اعتبارات در مناطق (استان ها و شهرستان ها) باشد، چنین اتفاقی هرگز صورت نمی گیرد و توزیع و تخصیص اعتبارات تطبیق چندانی با برنامه های آمایش ندارد. بدین لحاظ برنامه ریزی منطقه ای (آمایش سرزمین) در ایران بی اثر و ناکارآمد بوده است؛

راهکارها

کوتاه مدت:

- جمع بندی موجودی فعلی برنامه های منطقه ای و اسناد آمایش سرزمین در هریک از استانها و شهرستانهای کشور (تنقیح برنامه ها و اسناد موجود)؛
- آسیب شناسی برنامه ها و اسناد موجود و بررسی خلاء ها و ضعف های نظری و فنی آنها؛

میان مدت :

- تقویت سازمانی نهادهای مرتبط با برنامه ریزی منطقه ای و آمایش (دفتر آمایش سرزمین معاونت برنامه ریزی ریاست جمهوری، شورای عالی آمایش سرزمین) و تاسیس نهادهای فنی و تخصصی پشتیبان (اعم از دانشگاهی و غیر آن)؛
- تاسیس نهادهای منطقه ای (فرااستانی) جهت هماهنگی برنامه ریزی بین منطقه ای؛
- ارتقاء دانش فنی و تخصصی مدیران و کارشناسان محلی در حوزه برنامه ریزی منطقه ای و آمایش سرزمین؛
- درجه بندی مجدد شرکت ها و موسسات مشاور در تهیه آمایش سرزمین (براساس تجربیات آنها در چند دوره تهیه اسناد آمایش سرزمین) و طراحی استانداردهای صلاحیتی جدید؛
- تهیه دستورالعمل های لازم جهت اجرای کارآمد و موثر منویات برنامه پنجم توسعه در برنامه ریزی منطقه ای و آمایش سرزمین؛
- آغاز بازبینی مبانی نظری برنامه ریزی منطقه ای و آمایش سرزمین، مبتنی بر مبانی نوین برنامه ریزی در کشور (در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)؛

بلندمدت:

- تدوین لایحه برنامه ریزی منطقه ای و آمایش سرزمین (با هدف: الف. تعیین سازوکارهای عملیاتی و ساختار و فرآیند اداری برنامه ریزی منطقه ای و آمایش سرزمین در کشور مبتنی بر مبانی

اسلامی و شرایط بومی، ب. تعیین شرایط و سازوکار مشارکت نخبگان و اقشار محلی در برنامه ریزی، ج. الگوی تمرکززدایی و تعیین رابطه مرکز با مناطق در سیاستگذاری و برنامه ریزی، د. نحوه الزام مدیران و مجریان به اجرای اسناد مصوب، ه. سازوکار هماهنگی بین نهادهای مرتبط در سطوح ملی و منطقه ای؛

- تقویت پایه دانش برنامه ریزی منطقه ای و آمایش سرزمین با توسعه مراکز تخصصی و دانشگاهی و طراحی رشته ها و گرایش های علمی مرتبط؛

۱۳. سیاستهای مبارزه با مفاسد اقتصادی و اداری:

مروری بر وضعیت موجود

- عملیات سنگین شبکه های مافیایی توزیع در احتکار و افزایش تصنیعی قیمت بسیاری از کالاها؛
- قاچاق کالا از برخی مبادی رسمی کشور؛
- قاچاق سوخت به خارج از کشور؛
- معضل ارتشا و تخلف های اداری کارکنان و مدیران؛
- رانت های بانکی در ارائه تسهیلات؛

راهکارها:

کوتاه مدت (تقویت نظارت های دولتی):

- نظارت درونی: ارزیابی و انتصاب مدیران متعهد و کارآمد؛
- نظارت بیرونی: توسعه شبکه نظارت دولتی در دستگاه های اجرایی و در گستره جغرافیایی کشور (به نحوی که امکان ارزیابی عملکرد مدیران، کارکنان و اجرای مناسب عملیات های مختلف فراهم آید- در تشکیل این شبکه از نیروهای داوطلب و جهادی با صلاحیت های تخصصی و شخصیتی استفاده خواهد شد)؛

میان مدت:

- اجرای الگوی داشبورد مدیریتی (نظارت، رصد و ارزیابی عملکرد برنامه ها، طرح ها و مدیران)؛

- اصلاح الگوی قیمت گذاری حامل های انرژی از طریق اجرای مناسب قانون هدفمندی یارانه ها (پس از اعمال اصلاحات لازم در آن)؛

بلندمدت:

- تدوین نظام جامع سلامت اداری و اقتصادی؛

۱۴. سیاستهای بهره برداری از انفال (منابع طبیعی): مروری بر وضعیت موجود

- اصل ۴۵ قانون اساسی انفال و ثروت های عمومی را در اختیار حکومت اسلامی قرار داده و چگونگی استفاده از آن را به قانون موكول کرده است؛
- طی سال های قبل و بعد از انقلاب هیچ تغییر نگرشی در استفاده از این منابع اتفاق نیفتاده است و اساساً هیچگاه چگونگی استفاده و بهره برداری از این نعمات خدادادی مورد سؤال قرار نگرفته است؛
- مکانیسم موجود در بهره برداری و نظام انتقال درآمدهای آن به اقتصاد ملی بستر خلق بسیاری از مشکلات و علت بروز بخشی از مسائل اقتصاد امروز ایران است. اقتصادی دولتی، رانتی، توسعه نیافته، بروز مفاسد کلان، دسترسی راحت و دست اندازی به بیت المال، عدم استقرار نظام مالیاتی شفاف و کارآ، تورم مضمّن و ... از جمله این مسائل است.

راهکارها

راهکارهای کوتاه مدت:

- القاء ضرورت تدوین سیاست های کلی اصل ۴۵ قانون اساسی و تصویب قوانین مرتبط؛
- کاهش تقاضاهای ریالی برای دلارهای نفتی و در مقابل تقاضای دلاری برای دلارهای نفتی مخصوصاً در سرمایه گذاری ها (سرمایه گذاری فیزیکی و سرمایه گذاری بر نیروی انسانی)؛

راهکارهای میان مدت:

- پیگیری تدوین، تصویب و آغاز اجرای سیاست های کلی اصل ۴۵ قانون اساسی و قوانین مرتبط؛

- کاهش خام‌فروشی سالیانه در یک برنامه عمل تا قطع و ممنوعیت خام‌فروشی و در مقابل فروش ریالی آن به بخش پایین دستی همراه با افزایش ظرفیت پالایشی کشور؛
- استقرار کامل نظام مالیاتی کارآ و شفاف و اصلاح نظام بودجه‌ریزی کشور؛
- کاهش سالیانه وابستگی بودجه عمومی کشور به دلارهای نفتی در قالب یک برنامه عمل (قطع وابستگی بودجه جاری ظرف چهار سال و بودجه کل ظرف ده سال)؛
- ادامه طرح هدفمندی یارانه‌ها و پرداخت نقدی به آحاد مردم؛

راهکارهای بلندمدت:

- قطع کامل خام‌فروشی نفت؛
- ایجاد چرخه ارزش افزوده در داخل (یا خارج)؛
- توزیع مستقیم منابع حاصل از انفال (نفت و گاز) {تغییر مکانیسم موجود در انتقال درآمدهای حاصل از فروش انفال به اقتصاد ملی} و تامین مالی بودجه از طریق الگوهای مالیاتی؛

۱۵. دیپلماسی اقتصادی و مساله تحریم‌ها:

مروری بر وضعیت موجود

- تحریم و کنترل اطلاعات مبادلات تجاری و مالی ایران (مانند سویفت و ...)
- تحریم بیمه حمل و نقل بین‌المللی ایران؛
- اعمال محدودیت در بخش نفت و گاز کشور و در نتیجه کاهش شدید درآمدهای نفتی ایران؛
- ایجاد محدودیت در نقل و انتقالات ارزی کشور؛
- بزرگ‌نمایی تحریم‌ها و کوچک‌نشان دادن توانایی‌های نظام توسط رسانه‌های بیگانه و باور آن از سوی برخی از اقشار نا آگاه جامعه؛
- اختلال در تولید برخی صنایع وابسته به واردات (از جمله صنایع نفت و گاز و ...- با وجود اینکه حجم فیزیکی این وابستگی زیاد نیست- حدود ۵ درصد- فقدان آن در مواردی باعث ناقص ماندن زنجیره تولید شده است)؛
- افزایش قیمت بی‌رویه برخی کالاها؛

راهکارها

راهکارهای کوتاه مدت:

- تقویت پایگاه‌های اطلاعاتی در بازار ارز نظیر پورتال ارزی؛
- اعزام رایزنهای بازرگانی به بازارهای هدف (با مطالعات کافی و از میان افراد واجد شرایط و مسلط به تخصصهای لازم در امور بازرگانی بین الملل)؛
- هماهنگ نمودن انتخاب و انتصاب سفرا و منابع انسانی سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور در راستای توسعه روابط اقتصادی و تجاری و صادرات کشور با توجه به تغییر تعریف روابط بین الملل و تاکید بر جنبه های اقتصادی آن؛
- تدوین و اعمال انتظارات بخش غیردولتی از سفارتخانه های کشور و رایزن های بازرگانی؛
- مشارکت در فروشگاه های زنجیره ای منطقه ای و جهانی؛
- حمایت از تاسیس دفاتر، شعب، نمایندگیها و مراکز تجاری و مجتمع های فروش ایران در بازارهای هدف اصلی و عمده کشور توسط بخش غیردولتی؛
- کمک به ایجاد و تقویت تشکل های تجار ایرانی مقیم کشورهای مختلف؛
- مدیریت تقاضای ارز بازار (درون‌زا- از این طریق علاوه بر امکان کنترل نسبی قیمت ارز و کمک به ثبات آن، با کاهش واردات بستر لازم برای رونق تولید ملی و حمایت بیشتر از کار و سرمایه ایرانی فراهم می‌گردد)؛
- به دلایل ذیل کشورهای همسایه در میان شرکای تجاری ایران دارای اهمیت راهبردی هستند و در هر برنامه‌ای برای توسعه تجارت برون مرزی باید در اولویت قرار گیرند:

الف. وجود مرزهای زمینی و دریایی مشترک و کمی فاصله (که باعث کاهش هزینه‌های حمل و نقل و رفت آمد، و وجود فرصت‌هایی بهتر برای پشتیبانی از کالاهای صادراتی در بازارهای هدف می‌شود)؛

ب. اشتراکات فرهنگی، مذهبی و زبانی (که موجب سهولت و کاهش هزینه‌های بازاریابی برای کالاهای تولیدی ایران در این کشورها می‌شود)؛

ج. امکان مبادله کالا بر اساس پول رایج دو کشور؛

د. امکان صادرات مجدد کالاهای تولید ایران به بازارهای فرامنطقه‌ای از طریق کشورهای همسایه (و در نتیجه کاهش اثرات تحریم ها بر تجارت خارجی)؛

۵. وجود مناسبات دیرینه سیاسی و اقتصادی (که باعث می‌شود مراودات تجاری بین همسایگان کمترین تاثیر را از تنش‌های سیاسی بین‌المللی بپذیرد)؛

- فراهم آوردن زمینه مناسب به منظور تسهیل در ارتباطات بنگاههای اقتصادی و تشکل‌های تجاری جهت دستیابی به آمار و اطلاعات مورد نیاز در زمینه فعالیت آنها؛
- تشویق واحدهای تولیدی، تجاری و بنگاههای اقتصادی کشور به گسترش فعالیتهای برون مرزی و صادرات و ارایه هرگونه کمک و خدمات لازم به آنها به منظور توسعه صادرات غیرنفتی؛
- تداوم حمایت از توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی و تنوع بخشی در زیربخش‌های متنوع آن؛
- توسعه صادرات خدمات سلامت، بهداشتی و پزشکی با توجه به مزیت نسبی و رقابتی کشور در منطقه؛

راهکارهای میان مدت:

- طراحی و اجرای نظام تکمیل زنجیره تولید داخلی (به منظور کاهش وابستگی بخش تولیدی کشور به خارج- با لحاظ اولویت‌های راهبردی)؛
- تقویت روابط اقتصادی تنش زدا (از جمله خطوط لوله گاز طبیعی و نیز صادرات برق- استفاده از مزیت راهبردی ایران به عنوان جزیره آرامش در میان کشورهای بحران زده همسایه و تبدیل ایران به پایگاه تامین انرژی منطقه ای)؛
- همسوسازی روابط سیاسی و اقتصادی بعنوان شرط لازم برای توسعه همکاریهای اقتصادی و تجاری بین‌المللی (با استفاده از انگیزه‌های مشترک ضد استکباری و ...)
- کاهش تدریجی همکاری‌های تجاری با کشورهایی مانند امارات متحده عربی که احتمال نفوذ غرب روی آنها زیاد بوده و در ضمن بیش‌تر نقش واسطه را در فرایند صادرات بازی می‌کنند؛
- بهره برداری از مزیت‌های ترانزیتی کشور (با توجه به قابلیت بالای این موضوع به عنوان ابزاری برای چانه زنی)؛
- تشکیل بیمه‌های چند ملیتی با استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی (از جمله جامعه کشورهای BRIC ، اتحادیه شانگهای و ...)
- شناخت فرصت‌های بالقوه تجاری در بازارهای جدید و شناساندن آن به تجار و بازرگانان بخش خصوصی (که تخصص و فعالیت بالاتر سفرها و هیات‌های دیپلماتیک در خارج از کشور را می‌طلبند)؛
- تلاش برای انعقاد «توافق‌نامه‌های تجارت آزاد» با کشورهای مختلف دوست یا دارای حداقل تعارض منافع؛

- تقویت مراودات تجاری و توسعه صادرات به بازارهای دارای روابط سیاسی در حال گسترش با ایران از جمله آمریکای لاتین و آفریقا و حمایت از آن و اولویت بندی کشورهای هدف؛
- اولویت‌دهی توسعه تجارت و همکاری‌های متقابل اقتصادی با کشورهای عضو سازمان‌های بین‌المللی که ایران در آنها نقش برجسته‌ای دارد. مانند ۱. سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) با ۵۷ عضو / ۲. نظام جهانی ترجیحات تجاری بین کشورهای در حال توسعه (GSTP) با ۴۴ عضو / ۳. اتحادیه همکاری منطقه ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند (IOR-ARC) با ۱۸ عضو / ۴. هشت کشور مسلمان در حال توسعه (D-8) / ۵. سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO) شامل ده عضو؛
- حمایت از تبلیغات کالاها و خدمات صادراتی ایران در بازارهای جهانی و منطقه ای؛
- طراحی نام و نشان ملی در حوزه توسعه صادرات برای کالاها و خدمات منتخب؛
- حمایت از تولیدات صادراتی دارای زنجیره ارزش گسترده تر و با سهم بالاتر از نهاده‌های بومی؛

راهکارهای بلندمدت:

- اثبات بنیه اقتصادی نظام جمهوری اسلامی در مقابله با خصومت های خارجی در سطح جهانی و تثبیت نظام اقتصادی اسلامی - ایرانی (با رسیدن به قله ها، همه دشمنی ها پایان خواهد یافت، ان شاء الله)؛
- القاء شدت منافع کشورهای خارجی در تعامل اقتصادی با ایران و اقناع فضاهاى سیاست‌گذاری و نخبگان کشورهای مذکور در این ارتباط (به خصوص در مورد کشورهای هدف)؛
- افزایش توان رقابتی محصولات ایرانی (افزایش کیفیت، کاهش قیمت تمام شده، خدمات بهتر و ...) ضمن اعمال نظارت بر آن؛
- توسعه و متنوع سازی بازارهای صادراتی معطوف به دانش و فناوری‌های نو؛
- طراحی نام و نشان ملی در حوزه سرمایه گذاری مستقیم خارجی؛

جداول

• جدول (۱): مقابله با تورم

مدت زمان ثمردهی	توضیح	برنامه عملیاتی	راهبرد	راهبرد کلان مقابله با تورم	علت تورم
۲ سال	به دلیل ضعف نظارت، بانک ها به ارائه تسهیلات بیش از حد توان خود میپردازند و با استقراض از بانک مرکزی کمبود منابع را جبران می کنند	تحول در ساختار نظارت بر بانک ها (جلوگیری از بی انضباطی مالی بانک ها و اضافه برداشت از بانک مرکزی)	کاهش بدهی بانک ها به بانک مرکزی (مقابله با زیاده خواهی بانک ها)	کنترل نقدینگی (جلوگیری از چاپ پول)	افزایش نقدینگی
۱ سال	عدم شکایت برخی بانکداران از بدهکاران بانکی (بعضا به دلیل زد و بند و فساد) مهمترین مانع رسیدگی به معوقات است	تشکیل واحد ویژه رسیدگی به معوقات بانکی با اختیار شکایت به جای بانک ها			
۱ سال	نیازمند عزم مدیران دولت است	صرفه جویی و حذف هزینه های غیر ضرور دولت			
۱ سال	اصلاح حفره های قانون مالیاتی کشور	اصلاح نظام مالیاتی و انسداد مفرهای مالیاتی	رعایت انضباط مالی (خرج دولت بیشتر از دخلش نشود)		
۶ ماه	تقاطع پایگاه های اطلاعات اقتصادی کشور				
۳ ماه	تشکیل واحد ویژه اخذ معوقات مالیاتی متشکل از نهادهای نظارتی کشور (پیشگیری از فساد در ادارات مالیاتی)				
۲ ماه	عدم استقلال بانک مرکزی در نهایت منجر به تورم می شود	افزایش استقلال سیاست های پولی بانک مرکزی			
۳ ماه	ایجاد سامانه های الکترونیک رصد مصرف منابع ارزی در بانک ها و صرافیها	افزایش نظارت بر بازار ارز و جلوگیری از احتکار ارزی در بانک ها و صرافیها	افزایش عرضه ارز	ساماندهی بازار ارز	افزایش نرخ ارز (افزایش قیمت کالاهای وارداتی)
۳ ماه	ایجاد واحد نظارت بر مصارف ارزی در ذیل بانک مرکزی و حضور دستگاه های نظارتی سه قوه				
۱ سال	مهمترین راهبرد برای تحقق اقتصاد بدون نفت و از کار انداختن تحریمها	توسعه صادرات غیر نفتی			

به سوی تحقق حیات طیبه | برنامه‌ی اقتصاد مقاومتی در دولت یازدهم

دکتر سعید جلیلی | کاندیدای یازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری

www.masir1357.ir , www.drJalily.com

ماه ۳	نیازمند عزم مدیران دولت است	ممنوعیت واردات مضر و زائد	کاهش تقاضای ارز		
ماه ۵	نیازمند عزم مدیران دولت است	طرح سری این موضوع توسط متخصصان تحریم تهیه و با موفقیت آزمون شده است	طرح ویژه دور زدن تحریم های نفت و انتقال ارز	رفع محدودیت های تحریم انتقال ارز	
ماه ۲	تمرکز در مقابله با گرانفروشی توسط واردکنندگان، تولید کنندگان و شبکه های توزیع به جای خرده فروشان	بسیج دستگاه های نظارتی (سازمان حمایت، سازمان تعزیرات و دستگاه های اطلاعاتی و نظارتی مبارزه با مفاسد اقتصادی)	استفاده از ظرفیت کشور برای نظارت بر بازار کالا	افزایش نظارت بر بازار کالا	احتکار و گرانفروشی کالا
ماه ۱	مهمترین راهکار کشورهای پیشرفته در مقابله با گرانفروشی است	ایجاد سامانه های الکترونیک نظارت بر قیمت کالاها از سرچشمه (مبادی واردات و تولید تا خرده فروشی ها)			
ماه ۸	استمرار ذخائر راهبردی کالاهای اساسی برای تنظیم بازار	ذخیره سازی کالاهای اساسی	کنترل بازار کالاهای اساسی		

• جدول (۲) مبارزه با فساد اقتصادی

قدرت و برخورداری از رانت اقتصادی با ذات دولت‌ها عجین است و همواره علت جذب و تجمع دلالتان و مفسدین اقتصادی به دور دولتمردان بوده و خواهد بود. بنابر این هیچ دولتی هر چند متشکل از پاکان روزگار، مبری از فساد نیست. از طرفی در گفتمان انقلاب اسلامی، مبارزه با فساد اقتصادی یکی از مهمترین راهکارهای تحقق عدالت در کشور است که موجب افزایش همسبستگی ملت و نظام اسلامی (افزایش قدرت مقاومتی کشور) و رفع هدر رفت منابع اقتصادی کشور (آزادسازی ظرفیت‌ها) است. بنابر این نگاه مبارزه با فساد اقتصادی از هر دو جنبه عدالت و پیشرفت باید یکی از محورهای اساسی در برنامه نامزدهای ریاست جمهوری باشد.

در این راستا کارگروه اقتصادی ستاد دکتر جلیلی برنامه مشخصی را در محورهای ذیل جهت ریشه کن کردن فساد اقتصادی از کشور ارائه نموده است:

۱- تلاش حداکثری برای ایجاد شفافیت اقتصادی و حذف بسترهای فساد خیز در کشور

۲- بازنگری و اصلاح ساختار نهادی مبارزه با فساد اقتصادی در کشور

در جدول زیر می‌توانید محورهای برنامه ارائه شده را ملاحظه فرمایید.

راهبرد کلان مقابله با فساد	راهبرد	برنامه عملیاتی	توضیح	
شفافیت اقتصادی (پیشگیری از فساد از طریق رفع بسترهای فساد خیز)	کشف سیستمی مفاسد اقتصادی	اتصال پایگاه اطلاعات اقتصادی (بانک، بیمه، مالیات، گمرک و غیره) به یک مرکز مستقل جهت تقاطع اطلاعات و کشف سیستمی مفاسد اقتصادی از عدم انطباق اطلاعات ارائه شده به نهادهای مختلف	عدم تقاطع اطلاعات یکی از حفره‌های اساسی در کشور است که ریشه بسیاری از مفاسد اقتصادی از جمله فرار مالیاتی، معوقات بانکی و پولشویی است	
	حذف چند نرخ بودن (عدم تعادل) بازار ارز	افزایش عرضه ارز و کاهش تقاضای ارز	مشروح برنامه‌های عملیاتی در این رابطه در بخش «مقابله با تورم» بیان شد	
	افزایش نظارت بر بازار ارز و جلوگیری از احتکار ارزی در بانک‌ها و صرافیها	ایجاد سامانه‌های الکترونیک رصد مصرف منابع ارزی در بانک‌ها و صرافیها (پرتال ارزی و سنا)	در حال اجرا در همه کشورهای پیشرفته و نیمه پیشرفته	
	حذف چند نرخ بودن (عدم تعادل) بازار کالا (قیمت‌های یارانه‌ای)	اجرای کامل قانون هدفمندی یارانه‌ها	اعطای یارانه غیر مستقیم زمینه فساد را تقویت می‌کند. به طور مثال به جای ارائه یارانه داروی سرطانی به بیمار سرطانی، یارانه به شرکت توزیع کننده داده می‌شود و در نتیجه احتکار و کمبود در بازار و فروش داروهای یارانه‌ای در بازار آزاد گسترش می‌یابد.	
	کاهش چند نرخ بودن (عدم تعادل) بازار پول (نرخ بهره یارانه‌ای)	اصلاح نظام بانکی کشور بر اساس مبانی اسلامی	راهکار بلندمدت نیازمند نظریه‌پردازی متخصصین بانکداری اسلامی در حوزه و دانشگاه	
		تلاش برای کاهش نرخ تورم (برنامه شماره یک) به جای کاهش دستوری نرخ بهره	حرکت به سمت کاهش رانت تسهیلات یارانه‌ای	
	کاهش زمینه وقوع رشوه از طریق کاهش نقش عوامل انسانی در ارائه خدمات به مردم	اجرای کامل طرح دولت الکترونیک	تمام امور مردم و ارباب رجوع با دولت از طریق درگاه‌های الکترونیک انجام شود. (بدیهی است با این راهبرد لازم است تکمیل اینترنت ملی نسبت به دیگر طرح‌های عمرانی در اولویت بالاتری قرار گیرد)	

به سوی تحقق حیات طیبه | برنامه‌ی اقتصاد مقاومتی در دولت یازدهم

دکتر سعید جلیلی | کاندیدای یازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری

www.masir1357.ir , www.drJalily.com

کاهش زمینه وقوع قاچاق کالا	اجرای کامل طرح ایران کد و شبنم	مهمترین تجربه موفق دنیا در مبارزه با قاچاق کالا (لزوم اثبات قاچاق نبودن کالا برای همگان در بازار)
توسعه تجارت و بانکداری الکترونیک	تقویت ضمانت اجرا و اجرای کامل قوانین مبارزه با پولشویی	مهمترین راهبرد کاهش مفاسد مالی در جهان
حذف زمینه تبانی و فساد در پروژه‌های اقتصادی	احیای پایگاه الکترونیک مناقصات و الزام به انجام پروژه‌های دولتی از طریق مناقصه	عدم انجام مناقصه = رانت و زمینه بروز فساد نیازمند عزم اجرایی دولت‌هاست. البته به دلیل مسائل تحریم لازم است امنیت پایگاه الکترونیک و جلوگیری از دسترسی دشمنان به اطلاعات پیمانکاران لحاظ شود
پیشگیری از آلودگی مسئولین به فساد اقتصادی	پیگیری تصویب قانون «از کجا آورده‌ای؟» از طریق مجلس شورای اسلامی یا شورایی مبارزه با مفاسد اقتصادی	تجربه دنیا و مورد استفاده در دیگر کشورها که طی آن مسئولین باید دارایی خود را قبل و بعد از مسئولیت به مردم اعلام کنند در حال حاضر وابستگی نامزدهای انتخابات شورای شهر، مجلس و ریاست جمهوری به اسپانسرهای مالی، زمینه بروز فساد را تقویت می‌کند
کاهش زمینه احتکار و گرانفروشی	ایجاد سامانه های الکترونیک نظارت بر قیمت کالاها از سرچشمه (مبادی واردات و تولید) تا خرده فروشی‌ها: (پرتال تجاری)	مهمترین راهکار کشورهای پیشرفته در مقابله با گرانفروشی است
اصلاح ساختار «ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی»	تشکیل شورایی مبارزه با مفاسد اقتصادی متشکل از روسای سه قوه و دارای اختیار سیاستگذاری و قانونگذاری مستقل از طریق تصویب در مجلس یا شورایی امنیت ملی	در بسیاری از موارد قوانین مرتبط با حوزه مبارزه با مفاسد اقتصادی به دلیل نفوذ مافیای و صاحبان قدرت اقتصادی در مجامع قانونی تصویب نمی‌شود. (بلکه بعضا حرکت عکس آن صورت می‌پذیرد)
حمایت، توسعه و ایجاد رقابت بین دستگاه‌های نظارتی در کشف مفاسد اقتصادی	اتصال پایگاه‌های اقتصادی کشور در یک مرکز فراقوه و ارائه خدمات به تمامی نهادهای نظارتی مبارزه با مفاسد اقتصادی	به جز وزارت اطلاعات، سایر نهادهای نظارتی در حوزه مبارزه با مفاسد اقتصادی فاقد دسترسی مناسب به اطلاعات اقتصادی پایه هستند و بسیاری از ظرفیت‌ها در این حوزه بلااستفاده باقی مانده است

به سوی تحقق حیات طیبه | برنامه‌ی اقتصاد مقاومتی در دولت یازدهم

دکتر سعید جلیلی | کاندیدای یازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری

www.masir1357.ir , www.drJalily.com

وابستگی وزارت اطلاعات به دولت بعضا مانع رسیدگی به مفاصد اقتصادی است (چاقو دسته خود را نمیبرد). کشف فسادهای عمیق نیازمند کار اطلاعاتی، در کنار حسابرسی و قضائی خارج از ساختار دولت است	تشکیل نهاد جامع مبارزه با مفاصد اقتصادی (اطلاعاتی، حسابرسی، قضائی) مستقل از دولت و مستقل از نهادهای درگیر در فعالیت‌های اقتصادی زیر نظر شخص مقام معظم رهبری	ایجاد سازمان مبارزه با مفاصد اقتصادی	
عدم شکایت برخی بانکداران از بدهکاران بانکی (بعضا به دلیل زد و بند و فساد) مهمترین مانع رسیدگی به معوقات است	تشکیل واحد ویژه رسیدگی به معوقات بانکی دارای اختیار شکایت از بدهکاران بانکی و متشکل از دستگاه‌های نظارتی سه قوه	مقابله با ابر بدهکاران بانکی	
کمتر قاضی و بازپرسی حاضر است امنیت خویش را در معرض خطر برخورد با مفسدین اقتصادی قرار دهد	ایجاد ساختار مناسب جهت حمایت امنیتی و روانی برای حذف فشارهای مفسدین بر امنیت روانی و اجتماعی قضات مرتبط و خانواده‌های ایشان	حمایت و تشجیع قضات و بازپرسان برخورد کننده با مفاصد اقتصادی	
بسیاری از پرونده‌های مالیاتی به دلیل زد و بند در ادارات مالیاتی متوقف است و پیگیری نمی‌شود	تشکیل واحد ویژه اخذ معوقات مالیاتی متشکل از نهادهای نظارتی کشور (ایجاد ساختار نظارت خارجی بر سازمان مالیاتی)	کاهش معوقات مالیاتی	
بخش نظارتی بانک مرکزی به دلیل ضعف شدید و ارتباط اندک بازرسان آن با بانکها و صرافیها (همکاران سابقشان) فاقد توانایی لازم برای نظارت موثر بر بانکهاست	ایجاد واحد نظارت بر موسسات مالی در ذیل بانک مرکزی و با حضور دستگاه‌های نظارتی سه قوه	نظارت بر بانکها و موسسات مالی	

• جدول (۳) مقابله با تحریم‌ها

تحریم‌های اقتصادی یکی از مهمترین مسائل اقتصادی و سیاسی کشور است که باعث شده تا هر یک از نامزدهای ریاست جمهوری نسبت به آن موضع‌گیری ویژه‌ای داشته باشند. گرچه تقریباً همه نامزدها به نوعی تصریح دارند که بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور ناشی از عدم توجه به ظرفیت‌های داخلی و در کنار آن اتخاذ برخی سیاست‌های نادرست و غیر کارشناسی اقتصادی است، اما بعضاً راهبردهای کاملاً اشتباهی را جهت رفع مشکل تحریم به مردم ارائه می‌کنند. به طور مثال: برخی با کم‌اطلاعی از وضعیت تحریم‌ها، مدعی هستند که با چند ملاقات خارجی محدودیت‌ها را رفع می‌کنند. برخی دیگر نیز تصور می‌کنند که موضوع تحریم‌ها مثل احداث بزرگراه یا پروژه‌های اقتصادی است که با ارائه یک وعده زمانی و احتمالاً تزریق دوچندان منابع مالی به پیمانکار حل شود.

برخی نیز صراحتاً از معامله عاقلانه با دشمن دم می‌زنند و البته حتماً می‌دانند که دشمن ثمنی جز شرف و عزت اسلامی ملت ایران را قبول نمی‌کند. این در حالی است که بر خلاف برخی سیاه‌نمایی‌ها از وضعیت کشور، ایران اکنون در جایگاه رفیعی در عرصه جهانی قرار دارد و دستاوردهای خیره‌کننده‌ای داشته که عظمت آن از روی قله به خوبی دیده نمی‌شود. ملت ایران بعد از سال‌ها مجاهدت اکنون در آخرین گردنه برای فتح قله پیروزی قرار دارد. انواع تهدید نظامی، امنیتی، مخملی و فرهنگی در دهه‌های گذشته با شکست مواجه شده و دشمن تنها متوسل به سلاح تحریم است که آن نیز داغ کرده و دیگر چندان قابل استفاده نیست. اما مساله تحریم متفاوت از برداشت‌های فوق است و مقابله با آن نیازمند **اولاً** شناخت دقیق ماهیت تحریم‌ها و نقاط آسیب‌پذیر اقتصادی کشور از این ناحیه، **ثانیاً** شناخت نقاط ضعف دشمن و توانایی‌های کشور در عرصه بین‌المللی، **ثالثاً** شناخت راهکارهای مدیریتی جنگ آشکار و پنهان اقتصادی و از همه مهمتر داشتن روحیه مقاومت عزت‌آفرین در عرصه رویارویی با دشمن است. این ویژگی‌ها مقدماتی است که تحقق اقتصاد مقاومتی به عنوان مهمترین راهبرد از کار انداختن سلاح تحریم را رقم می‌زند. خوب با این توضیحات دیگر مشخص است که دکتر جلیلی بعد از شش سال مدیریت تحریم‌ها و اشراف بر ابعاد امنیتی اقتصادی و سیاسی کشور، احتمالاً بیش از هر گزینه دیگری می‌تواند راه مقاومت و حماسه سیاسی را فراهم سازد. در این راستا برنامه عملیاتی مقابله با تحریم‌ها که توسط یکی از کارگروه‌های اقتصادی ستاد ایشان در سایت مسیر منتشر شده، مشاهده می‌شود:

توضیح	برنامه عملیاتی	راهبرد	راهبرد کلان مقابله با تحریم
تصویب طرح تشکیل قرارگاه جنگ اقتصادی در شورایی امنیت ملی (بر اساس آسیب شناسی عملکرد ستاد تدابیر ویژه اقتصادی)	تحول در ساختار سنتی و کلاسیک نهادهای اقتصادی کشور به منظور کارآمدی در جنگ اقتصادی با دشمن	ایجاد قرارگاه جنگ اقتصادی در کشور	اصلاح ساختار مقابله با تحریمها در کشور
برآورد می‌شود در صورت اجرای کامل این طرح، بخش زیادی از مشکلات اقتصادی و ارزی کشور در کوتاه مدت برطرف شود	طرح سری دور زدن تمامی تحریمهای راهبردی بانک مرکزی و نفت و جابجایی پول نفت تهیه و با موفقیت آزمون شده است	طراحی ساختار پنهان اقتصادی با استفاده از اشراف اطلاعاتی نسبت به فعالیت‌های سرویسهای اطلاعاتی دشمن و راهکارهای دور زدن تحریمها	دور زدن تحریمها
کمیت تولید داخل نزدیک به یکسال است که با محوریت دبیرخانه شورایی امنیت ملی آغاز به کار کرده و ضمن شناسایی اقلام تحریمی کشور، برنامه لازم جهت تولید داخل آنها را در دست تکمیل دارد	حمایت ویژه از تولید داخل اقلام تحریمی راهبردی یا دارای مزیت صادراتی در کشور	حمایت از تولید داخل	اقتصاد مقاومتی
برنامه عملیاتی در این رابطه در بخش «مهار تورم» تشریح شده است	مهار تورم		
در حال حاضر حدود ۱۲ میلیارد دلار فاصله بین میزان صادرات غیر نفتی و واردات است که در صورت حمایت از صادرات غیر نفتی طرف حداکثر دو سال پر می‌شود و تحریمهای نفتی را آچمز می‌کند	حمایت از صادرات غیر نفتی به خصوص صنایع بخش پایین دستی انرژی	حمایت از صادرات غیر نفتی	
استفاده از تکنولوژی‌های نوین پالایشگاه‌های کوچک راهکاری کوتاه مدت و بسیار موثر در از کار انداختن سلاح تحریم نفتی است که به دلیل عدم اهتمام برخی مسئولین میانی در وزارت نفت متوقف مانده است	حمایت ویژه از تکمیل طرح‌های پالایشگاهی کشور توسعه تکنولوژی‌های نوین بومی سازی شده در صنعت پالایشگاه‌های کوچک به عنوان راهکاری موثر و کوتاه مدت جهت قطع وابستگی به نفت و کسب درآمدهای مضاعف ارزی	تمرکز ویژه بر سرمایه‌گذاری و توسعه طرح‌های پالایشگاهی	
اجرای صحیح اصل ۴۴ منوط به این است که واگذاری مدیریت هم در کنار مالکیت به مردم صورت بگیرد نه اینکه بنگاه‌های دولتی به نهادهای شبه دولتی	اجرای اصل ۴۴ در واگذاری مالکیت و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی به مردم	واگذاری اقتصاد به مردم	

به سوی تحقق حیات طیبه | برنامه‌ی اقتصاد مقاومتی در دولت یازدهم

دکتر سعید جلیلی | کاندیدای یازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری

www.masir1357.ir , www.drJalily.com

واگذار شود			
نیازمند عزم دولتمردان است	کاهش مخارج غیر ضروری جاری و عمرانی دولت	صرفه جویی در مخارج دولت	
نیازمند عزم دولتمردان است	ممنوعیت واردات مضر و زائد	جلوگیری از هدر رفت منابع ارزی کشور	
در بخش «برنامه مبارزه با مفاسد اقتصادی» تشریح شد	ایجاد ساختار جدید نظارت بر مصارف ارزی کشور		
در بخش «برنامه مبارزه با مفاسد اقتصادی» و «برنامه مقابله با تورم» تشریح شد	انسداد مفرهای مالیاتی (اخذ مالیات از مترفین و مافیای اقتصادی در کشور به جای افزایش بار مالیات بر کارمندان و دهک‌های پایین جامعه)	افزایش اتکا به درآمدهای مالیاتی	
ضربه به تحریم کنندگان در راستای گفتمان انقلاب اسلامی تاکنون اجرا نشده است	استفاده از اهرم‌های کشور در حوزه اقتصاد و غیر اقتصاد جهت فشار به تحریم کنندگان	مجازات تحریم کنندگان	
یکی از بهترین راهکارها برای دور زدن تحریم‌هاست.	طراحی ساختار لابی اقتصادی: ایجاد ساختار ویژه برای توسعه روابط پنهان اقتصادی با کشورهای هدف و دور از چشم تحریم کنندگان	دیپلماسی اقتصادی	فشار به تحریم کنندگان
تاکنون در کشور ساختاری برای لابی اقتصادی ایجاد نشده و ظرفیت‌های زیادی بدون استفاده در این رابطه متوقف مانده است			
احیای معاونت اقتصادی وزارت خارجه و استفاده از ظرفیت نهادهای فرادستگاهی برای حذف بخش نگری و نگاه جامع به محیط کشور در مذاکرات با طرفهای خارجی	استفاده از ظرفیت‌های کشور برای گرفتن امتیاز اقتصادی در ازای اعطای امتیاز به طرفهای خارجی		